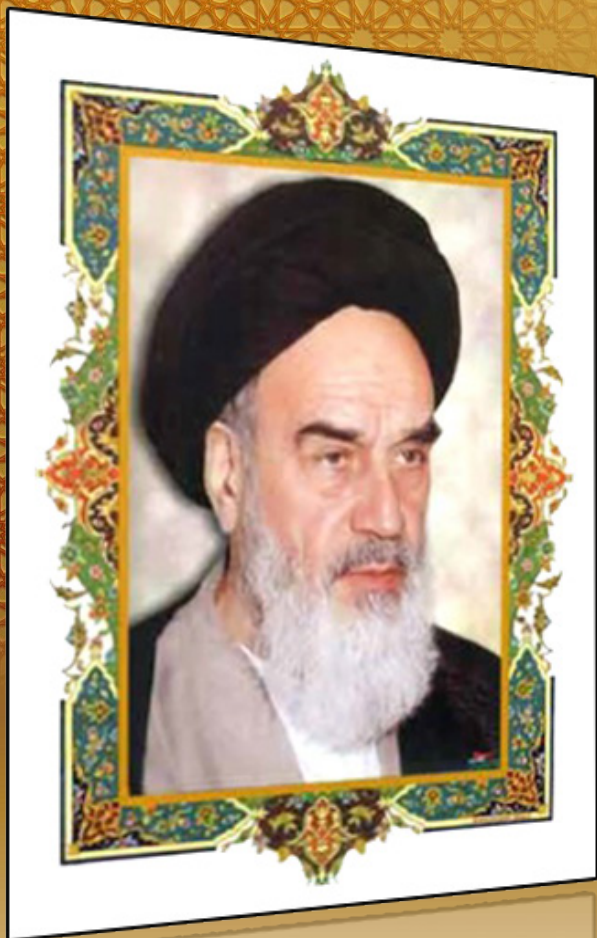


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر موضوعی قرآن کریم

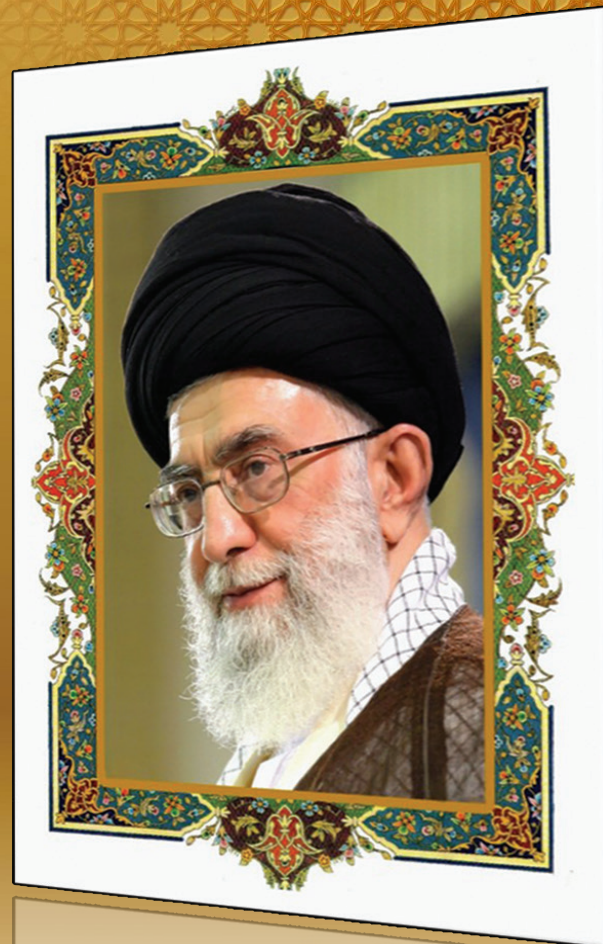
با موضوع: سبک زندگی اسلامی

با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب



بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد... خروج از فرهنگ بدآموز غربی و نفوذ و جایگزین شدن فرهنگ آموزنده اسلامی ملی و انقلاب فرهنگی در تمام زمینه‌ها در سطح کشور آن چنان محتاج تلاش و کوشش است که برای تحقق آن سالیان دراز باید زحمت کشید و با نفوذ عمیق ریشه دار غرب مبارزه کرد.

یکی از چیزهایی که ... باید حتماً به فضل الهی دنبال بشود، مسئله‌ی سبک زندگی اسلامی است؛ من می‌خواهم خواهش کنم که برادران عزیز در مطالعات خودشان، در پیگیری‌های خودشان روی مسئله‌ی سبک زندگی ائمه علیهم‌السلام و سبک زندگی اسلامی کار کنند؛ ... اگر بخواهیم سبک زندگی را به صورت درست در مقابل موج جبهه‌ی دشمن به حالت اسلامی برگردانیم، راهش این است؛ یعنی فرهنگ‌سازی باید بشود.





مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْشَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ
لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.

هر کس کار شایسته انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن باشد،
او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام
می‌دادند، خواهیم داد.

نحل: ۹۷



- | | |
|--|---|
| جلسه ۱: چిستی و چرایی سبک زندگی ۷ | جلسه ۱۲: قدرشناسی و تشکر ۷۵ |
| جلسه ۲: تکالیف انسان در حوزه‌های سبک زندگی ۱۲ | جلسه ۱۳: ایثار و از خودگذشتگی ۸۱ |
| جلسه ۳: محبت و رزی ۲۱ | جلسه ۱۴: جماعت و همگرایی ۸۶ |
| جلسه ۴: تکریم و احترام ۲۷ | جلسه ۱۵: پرهیز از عیب جویی ۹۲ |
| جلسه ۵: تواضع و فروتنی ۳۲ | جلسه ۱۶: پرهیز از تملق و چاپلوسی ۹۸ |
| جلسه ۶: اعتماد و حسن ظن ۳۹ | جلسه ۱۷: پرهیز از دورویی و نفاق ۱۰۵ |
| جلسه ۷: عفو و گذشت ۴۵ | جلسه ۱۸: پرهیز از تمسخر و استهزاء ۱۱۰ |
| جلسه ۸: نصی و خیرخواهی ۵۱ | جلسه ۱۹: پرهیز از تحقیر و اهانت ۱۱۷ |
| جلسه ۹: صلح و آشتی ۵۷ | جلسه ۲۰: پرهیز از غیبت و سعایت ۱۲۳ |
| جلسه ۱۰: موااسات ۶۳ | جلسه ۲۱: پرهیز از بهتان و تهمت ۱۳۰ |
| جلسه ۱۱: وفای به عهد ۷۰ | جلسه ۲۲: پرهیز از تجسس و سرک کشی ۱۳۶ |



۱. با توجه به محدودیت زمان محتوا، بر جنبه‌های رفتاری و اجتماعی سبک زندگی در محیط خانوادگی، سازمان و جامعه تمرکز یافته است.

۲. دو جلسه اول مقدمه و طلیعه ورود به موضوع اخوت و برادری می باشد.

۳. مصادیق کاربردی با محوریت یکی از اساسی ترین ارزش های دینی یعنی «اخوت و برادری» و عوامل تقویت کننده و تضعیف کننده آن تبیین و ارائه شده است.

۴. با توجه به اینکه ۴ جلسه‌ی ماه مبارک رمضان به مباحث سیاسی اختصاص داده شده است تلاش گردد محتوای قرآنی پیش بینی شده در ماه مبارک رمضان ۱۴۰۰ به طور کامل ارائه گردد و در صورت کمبود جلسات برخی از محتوا در جلسات دیگر ادغام گردد.

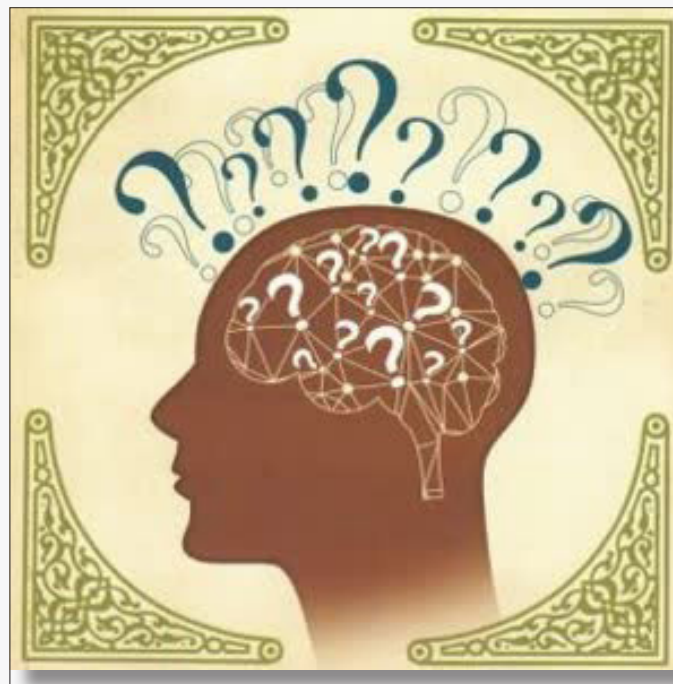
۵. استادان و مربیان گرامی تلاش کنند ضمن مطالعه کتب تفسیر پیرامون محتوای هر جلسه، از سیره و سلوک رفتاری پیامبر اعظم ﷺ، ائمه معصومین (ع)، امامین انقلاب و حکایت‌های معنوی برای اتقان و جذابیت بحث استفاده نمایند.

۶. در جلسات محدود در ابتدای هر جلسه تعدادی از فراگیران صفحه آیه انتخابی هر جلسه را با ترجمه قرائت نموده و مربیان گرامی ضمن توجه دادن به واژگان آیه‌ی مورد نظر پاسداران عزیر را ترغیب نمایند آیات انتخابی را حفظ کنند.

اداره برنامه ریزی، ارزشیابی و تهیه متون آموزشی

معاونت تربیت و آموزش عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

جلسه ۱: چیستی و چرایی سبک زندگی





♦♦ سبک

«سبک» در لغت به معنی «گداختن و قالب‌گیری کردن طلا و نقره» است و به مناسبت، «سبک» در معانی زیر نیز بکار رفته است: نوع، روش، شیوه و روش انجام چیزی، مد، عادت و رسوم. معنای اصطلاحی سبک عبارت است از: از نوع خاص و چگونگی و روش انجام کاری.

♦♦ سبک زندگی

شیوه‌هایی از زندگی که انسان با تکیه بر نظام ارزشی و مبانی اعتقادی خود در زندگی فردی و اجتماعی برای ارتباط با محیط و جامعه، پاسخ به خواسته‌ها و تأمین نیازهایش به کار می‌گیرد. مقام معظم رهبری علیه السلام سبک زندگی را به «رفتار اجتماعی و شیوه زیستن» تعریف نموده‌اند و برای سبک، نمونه‌هایی را بر شماری نموده‌اند: مسکن، ازدواج، الگوی مصرف، تفریح و اوقات فراغت، کسب و کار، رفتار محل کار، دانشگاه و مدرسه، فعالیت‌های سیاسی، ورزشی، رسانه، رفتار با خانواده، با دوست و دشمن و.....



♦♦ سبک زندگی اسلامی

نوع و شیوه زندگی که بر اساس نسخه‌های دین مبین اسلام طراحی و پیاده می شود.

♦♦ مفاهیم مرتبط با سبک زندگی

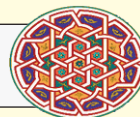
مفاهیمی که ارتباط تنگاتنگی با سبک زندگی دارند عبارتند از: رفتار اجتماعی؛ فرهنگ زندگی؛ نرم افزار تمدن؛ متن زندگی؛ متن تمدن؛ عقل معاش؛....

♦♦ چرایی و ضرورت سبک زندگی

- هدفمندی زندگی
- لزوم داشتن برنامه
- لزوم تبعیت از بایسته‌های اخلاقی و قانونی
- ازلی و ابدی بودن انسان.



ضرورت سبک زندگی اسلامی



امام خامنه‌ای علیه السلام در بیانیه گام دوم انقلاب:

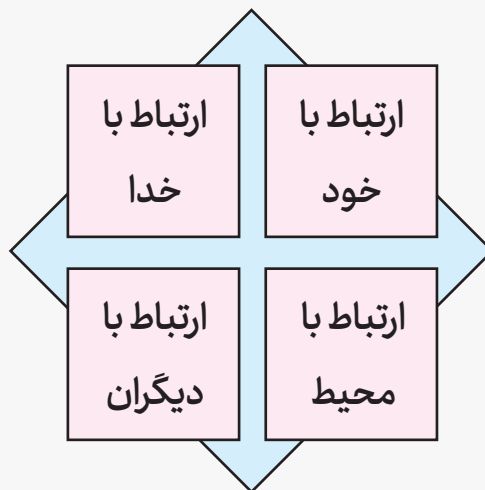
سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامی‌گذارم و به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است. مقابله با آن جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌هاست.



قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام:

أُصُولُ الْمُعَامَلَاتِ تَقَعُ عَلَى أَرْبَعَةٍ أَوْجُهٍ مُعَامَلَةُ اللَّهِ وَمُعَامَلَةُ النَّفْسِ وَمُعَامَلَةُ الْخَلْقِ وَمُعَامَلَةُ الدُّنْيَا وَكُلُّ وَجْهِ مِنْهَا مُنْقَسِمٌ عَلَى سَبْعَةِ أَرْكَانٍ

(مصباح الشريعة، ص ۵)





جلسه ۲:

تکالیف انسان در حوزه‌های سبک زندگی





♦♦ ۱. حوزه ارتباط با خدا

الف. خدا شناسی (معرفت)

ب. خدا باوری (ایمان)

ج. خداگرایی

د. خدا محوری

ه. عبادت

■ نماز

■ دعا

■ انس با قرآن

■ روزه

■ ذکر و استغفار

■ تفکر

■ و...

و. توکل و اعتماد به خدا





♦♦ ۲. حوزه ارتباط با خود

الف. ارتباط با روح

- خودشناسی
- خودسازی
- خودوالایی (عزت و کرامت نفس)

ب. ارتباط با نفس

- خودآگاهی
- خودکنترلی

ج. ارتباط با جسم

- تفکر و تدبر
- یادگیری و دانش اندوزی
- کار و تلاش
- تغذیه (خوردن و آشامیدن)
- تفریح و ورزش
- نظافت و بهداشت (زینت و آراستگی)
- لباس و پوشش
- مسکن و امکانات زندگی
- خواب و استراحت



♦♦ ۳. حوزه ارتباط با طبیعت

الف. حیوان

- حفاظت و مراقبت
- رعایت حقوق حیوان

ب. درخت و جنگل

- توسعه فضای سبز با درخت‌کاری
- و ...
- پیشگیری از تخریب مزارع، جنگل‌ها
- و درختان

ج. آب

- حفظ و ذخیره سازی آب
- ساخت سد و سیل بند
- پیشگیری از آلوده شدن آب
- مصرف بهینه و صحیح آب
- جدا سازی آب شرب با سایر مصارف آب
- استفاده از تجهیزات نوین برای کم کردن مصرف آب
- فرهنگ سازی در راستای کم کردن مصرف آب





♦♦ ۳. حوزه ارتباط با طبیعت

د. هوا

- حفظ و نگهداری و مراقبت از آلوده نشدن هوا
- ممنوعیت وارد کردن سم در هوا
- خودداری از هر نوع فعالیت اقتصادی و عمرانی و... آسیب‌زننده
- معطر سازی

ه. خاک (زمین)

- احیا و آباد نمودن بهینه خاک و زمین
- پرهیز از آلوده نمودن خاک و زمین
- پیش‌بینی و تدارک مکان برای دفن زباله‌های انسانی
- پیش‌بینی و تدارک مکان برای دفن زباله‌های صنعتی
- تفکیک پسماندها برای استفاده مجدد
- بازیافت پسماندها به محصولات جدید قابل استفاده
- بستر سازی برای تولید وسایل تجدیدپذیر



♦ ♦ ۴. حوزه ارتباط با دیگران

خانواده و خویشاوندان

جامعه

سازمان

مدیر و مسئول

همکار

نیروی تحت امر

ارباب رجوع

* براساس تعالیم اسلامی مبنا و پایه ارتباط با دیگران اخوت و برادری است.



♦♦ اخوت و برادری

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا... (آل عمران: ۱۰۳)؛ و همگی به ريسمان خدا [قرآن و اسلام، و هر گونه وسيله وحدت]، چنگ زنيد، و پراکنده نشويد! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به ياد آريد که چگونه دشمن يکديگر بوديد، و او ميان دلهاى شما، الفت ايجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شديد!....

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ... (حجرات: ۱۱)؛ همه مؤمنان با هم برادرند.

... اطيعوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ (انفال: ۴۶)؛... از خدا و پيامبرش اطاعت کنيد و با يکديگر نزاع نکنيد که ناتوان شويد و مهابت و قوت شما برود.

الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ (زخرف: ۶۷)؛ دوستان در آن روز دشمن يکديگرند، مگر پرهيزگاران!

وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ (انفال: ۶۳)؛ و دلهاى آنها را با هم، الفت داد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (بقره: ۲۰۸)؛ ای کسانی که ايمان آورده ايد! همگی در صلح و آشتی در آييد! و از گام هاى شيطان، پيروى نکنيد، که او دشمن آشکار شماست.



قال رسول الله ﷺ: مَثَلُ الْأَخَوَيْنِ مَثَلُ الْيَدَيْنِ تَغْسِلُ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى؛ حکایت دو برادر، حکایت دو دست است که یکی، دیگری را می شوید.

قال رسول الله ﷺ: تَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِي تَرَاخُمِهِمْ وَتَوَادِّهِمْ وَتَعَاظِفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ؛ إِذَا اشْتَكَى عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ جَسَدِهِ بِالشَّهْرِ وَالْحُمَى (نهج الفصاحه، ص ۳۸۲)؛ مؤمنان را در مهربانی و دوستی و مهرورزی نسبت به یکدیگر، همانند يك پیکر می بینی که هر گاه عضوی از آن به درد آید، دیگر اعضای پیکر، در بی خوابی کشیدن و تب، با آن، همنوایی و همدردی می کنند.

قال الصادق عليه السلام: الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ، إِنْ اشْتَكَى شَيْئًا مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ وَأَرْوَاحُهُمَا مِنْ رُوحٍ وَاحِدَةٍ، وَإِنَّ رُوحَ الْمُؤْمِنِ لَأَشَدُّ اتِّصَالًا بِرُوحِ اللَّهِ مِنْ اتِّصَالِ شُعَاعِ الشَّمْسِ بِهَا (الكافی، ج ۲، ص ۱۶۶)؛ مؤمن، برادر مؤمن است و همانند يك پیکرند که اگر عضوی از آن به درد آید، سایر اعضایش نیز آن درد را در خود، احساس می کنند. روح آن دو مؤمن، از يك روح است. و اتصال روح مؤمن به روح خداوند، بیشتر از اتصال پرتو خورشید به خورشید است.

قال الصادق عليه السلام: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ بَنَوُا بِنَاءً وَاحِدًا، وَإِذَا ضَرَبَ عَلَى رَجُلٍ مِنْهُمْ عِرْقٌ سَهَرَهُ الْآخَرُونَ (الكافی، ج ۲، ص ۱۶۵)؛ همانا مؤمن، برادر مؤمن است از يك پدر و مادر. هر گاه در یکی از آنان رگی [از درد] بزند، دیگران نیز برای او بی خوابی می کشند.



♦♦ بایسته‌های اخوت و برادری

- محبت ورزی و دوست داشتن یکدیگر
- تکریم و احترام
- تواضع و فروتنی
- اعتماد و حسن ظن
- عفو و گذشت (اغماض و خطا پوشی)
- نصیح، خیرخواهی
- صلح و آشتی (اصلاح ذات البین)
- مواسات و برادری (احسان)
- وفای به عهد
- قدرشناسی و شکرگذاری
- ایثار و از خودگذشتگی
- جماعت و همگرایی



جلسه ۳:

محبت و رزی





قرآن کریم: «مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ (فتح: ۲۹) محمد فرستاده خدا است و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند.»

امام علی علیه السلام در توصیف رسول خدا صلی الله علیه و آله: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ أَشْفَقَ النَّاسِ عَلَى النَّاسِ وَأَرَأَفَ النَّاسِ بِالنَّاسِ (خصال، ص ۷۲۴)؛ پیامبر از همه کس به مردم مهربان‌تر و از همه کس به مردم دلسوزتر بود.»



قرآن کریم: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران: ۱۵۹)؛ به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش! و) بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد.»



امام علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر: «قلبت را مملو از رحمت، محبت و لطف به مردم بنما. مبدا نسبت به آنان همچون جانور درنده بوده و خوردنشان را غنیمت شماری. چرا که آنان دو دسته اند: یا برادران دینی تو هستند و یا در آفرینش همانند تو می باشند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

امام علی علیه السلام: «قُلُوبُ الرِّجَالِ وَحْشِيَّةٌ فَمَنْ تَأَلَّفَهَا أَقْبَلَتْ إِلَيْهِ (غررالحکم، ص ۶۴)؛ دل آدمی وحشی است پس هر کس بدان الفت و محبت ورزد، به سوی آن روی می آورد.»

امام علی علیه السلام: «الْمُؤْمِنُ هَيِّنٌ لِّبْنٍ سَهْلٌ مُؤْتَمَنٌ (غررالحکم، ص ۷۸)؛ مؤمن ساده، لطیف و مهربان، رام و مورد اعتماد [مردم] است.



امام صادق علیه السلام: «جُلِبَتِ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ نَفَعَهَا وَبُغِضَ مَنْ ضَرَّهَا» (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۸۵)؛ دل‌ها به طور فطری بر دوستی کسانی است که به آنها سود می‌رسانند و بر دشمنی کسانی است که به آنها زیان رسانند.»

امام خامنه‌ای: پیامبر اکرم نظامی را به وجود آورد که خطوط اصلی آن چند چیز بود. من درمیان این خطوط اصلی، چهار چیز را عمده یافتم: ... چهارم، عشق و عاطفه جوشان. این هم از خصوصیات اصلی جامعه اسلامی است؛ عشق به خدا، عشق خدا به مردم؛ «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»، «ان الله يحبّ التّوابين ويحبّ المتطهرين»، «قل ان كنتم تحبون الله فاتّبعوني يحببكم الله». محبت، عشق، محبت به همسر، محبت به فرزند، که مستحب است فرزند را ببوسی؛ مستحب است که به فرزند محبت کنی؛ مستحب است که به همسرت عشق بورزی و محبت کنی؛ مستحب است که به برادران مسلمان محبت کنی و محبت داشته باشی؛ محبت به پیامبر، محبت به اهل بیت؛ «الْأَمُودَةُ فِي الْقُرْبَى»

(بیانات، ۱۳۷۷/۲/۱۸).



امام خامنه‌ای:

اینکه در قرآن کریم می‌فرماید «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» یعنی با یکدیگر مهربانند، رحیمند، این فقط مربوط به بیمارها نیست، مربوط به همه است. همه باید نسبت به همدیگر با شفقت باشند، با مهربانی باشند؛ .. این یکی از مهم‌ترین ارزشهای اسلامی و از توصیه‌های اسلامی است. واقعاً تلاش برای کاهش آلام یک انسان، جزو زیباترین مناظر زندگی انسانها است (بیانات، ۱۳۹۹/۹/۳). وجه غالب زندگی در نظام اسلامی و نظام ولایت، باید تعاطف، همدلی، تعاون و همکاری باشد (۱۳۷۷/۱/۲۷) باید روحیه‌ی محبت، وحدت، همگرایی و ارتباط و پیوند در میان مردم تقویت شود (۱۳۸۳/۹/۱۱).

ما باید مواظبِ خودمان و زیردست‌هایمان باشیم... لا اقل گشاده‌رو باشید و با خنده و تبسم و ملاطفت و با تبیین با او برخورد کنید. اگر مشکلش حل نمی‌شود، لا اقل دلیل آن را برایش تبیین کنید. برای این کار آدم داشته باشید...

جلسہ ۴: تکریم و احترام





احترام در لغت به معنای حرمت نگه داشتن و در اصطلاحات عرفی به معنای تعظیم و تکریم و گرامیداشت افراد است که توجه به آن، زمینه تعامل سازنده و مثبت میان اشخاص را فراهم کرده، پیوند برادری و اخوت را در بین آنها مستحکم می سازد.





يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات: ۱۳)؛ ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی تردید، خداوند دانای آگاه است.

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء: ۷۰)؛ همانا ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و آنان را بر دریا و خشکی مسلط نمودیم و از چیزهای پاک روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتریشان دادیم.



رسول خدا ﷺ: «مَنْ أَكْرَمَ مُؤْمِنًا فَكَانَتْما يُكْرِمُ اللَّهُ وَمَنْ دَعَا لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ الْبَلَاءَ وَدَرَّ عَلَيْهِ الرِّزْقُ (مشکات الانوار، ص ۱۸۷)؛ هر کس مؤمنی را اکرام کند گویا خداوند را اکرام نموده، و هر کس برای برادر مؤمنش دعا کند، خداوند بلا را از او دفع و روزیش را زیاد می‌گرداند.

رسول خدا ﷺ: «الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ كُلُّهُ عِرْضُهُ وَمَالُهُ وَدَمُهُ (بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۰)؛ سراسر وجود مؤمن [اعم] از عرض و آبرو، مال و خون [جان] او حرمت دارد [و باید محترم شمرده شود].»

حضرت رو به کعبه کرده، فرمود: «وَاللَّهِ لِلْمُؤْمِنِ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنْكَ لِأَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مِنْكَ وَاحِدَةً وَمِنَ الْمُؤْمِنِ ثَلَاثَةً مَالَهُ وَدَمَهُ وَأَنْ يُظَنَّ بِهِ ظَنُّ السَّوْءِ (بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۱)؛ ای کعبه! خوشا به حال تو، خداوند چقدر تو را بزرگ و حرمتت را گرامی داشته است! به خدا قسم حرمت مؤمن از تو بالاتر است؛ زیرا خداوند تنها یک چیز را از تو حرام کرده، ولی از مؤمن سه چیز را: مال، جان و [آبروی او را] به اینکه کسی به او گمان بد نبرد.»



امام صادق علیه السلام: «لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي بِلَادِهِ خَمْسُ حُرْمَ؛ حُرْمَةُ رَسُولِ اللَّهِ، وَحُرْمَةُ آلِ الرَّسُولِ، وَحُرْمَةُ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَحُرْمَةُ كَعْبَةِ اللَّهِ، وَحُرْمَةُ الْمُؤْمِنِ (الكافی، ج ۸، ص ۱۰۷)؛ خداوند بزرگ در سرزمین هایش پنج حریم دارد: حریم پیامبر صلی الله علیه و آله، حریم خاندان پیامبر، حریم کتاب خدای بزرگ، حریم کعبه الهی و حریم مؤمن».



جلسہ ۵: تواضع و فروتنی





تواضع آن است که انسان در مقایسه با دیگران برای خویش امتیاز و برتری قائل نشود و وجود چنین حالت، موجب می‌شود دیگران را بزرگ و گرامی بدارد.

قرآن کریم: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا (فرقان: ۶۳-۶۵)؛ بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند؛ و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند).»

قرآن کریم خطاب به رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (شعراء: ۲۱۵)؛ (ای پیامبر) بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستر (و نسبت به آنها تواضع و مهربانی کن).



نکته تفسیری آیه: «خَفْض» بر وزن «خَشَم» در اصل به معنی پایین آوردن است و «جناح» به معنی بال می باشد. بنابراین «وَ اخْفَضَ جَنَاحَ» کنایه از تواضع آمیخته با محبت است، همان گونه که پرندگان هرگاه می خواهند به جوجه های خود اظهار محبت کنند بال و پر خود می گسترانند و آنها را زیر بال و پر می گیرند تا هم در برابر حوادث احتمالی مصون بمانند و هم از تشنّت و پراکندگی حفظ شوند، پیامبر اسلام ﷺ نیز مأمور بود بدین گونه مؤمنان را زیر بال و پر خود بگیرد! جایی که پیامبر مأمور به تواضع آمیخته با محبت در برابر مؤمنان باشد تکلیف افراد امت روشن است چرا که پیغمبر سرمشق و الگو و «اسوه» برای همه ی امت است.





رسول خدا ﷺ: «يُبَاهِي اللَّهُ تَعَالَى الْمَلَائِكَةَ بِخَمْسَةٍ: بِالْمَجَاهِدِينَ، وَالْفُقَرَاءَ، وَالَّذِينَ يَتَوَاضِعُونَ لِلَّهِ تَعَالَى، وَالْغَنِيِّ الَّذِي يُعْطَى الْفُقَرَاءَ وَلَا يَمُنُّ عَلَيْهِمْ، وَرَجُلٌ يَبْكِي فِي الْخُلُوءِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۴۴)؛ خداوند به پنج دسته از انسانها به فرشتگان مباحات می‌کند: مجاهدان (راه خدا)، فقرا (و نیازمندی که دین خود را به دنیا نمی‌فروشند) و آنها که به خاطر خدا تواضع می‌کنند و ثروتمندانی که بی منت به مستمندان کمک می‌نمایند و کسی که در خلوت از خوف خدا گریه می‌کند!»

رسول خدا ﷺ: «مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ [فهو] فِي نَفْسِهِ ضَعِيفٌ وَ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ عَظِيمٌ وَمَنْ تَكَبَّرَ وَضَعَهُ اللَّهُ فَهُوَ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ صَغِيرٌ وَ فِي نَفْسِهِ كَبِيرٌ (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۱۶)؛ کسی که به خاطر خدا متواضع باشد خداوند او را محترم و بلند مرتبه می‌کند در حالی که آن شخص پیش خود، خویش را کوچک می‌داند اما در نزد مردم عزیز و بزرگوار است و کسی که تکبر بورزد، خداوند او را پایین می‌آورد، او نزد مردم بی‌ارزش و کوچک می‌باشد، در حالی که خودش می‌پندارد بزرگ و دارای جایگاه است.»



♦♦ شاخصه‌های انسان متواضع:

امام علی علیه السلام: «ثَلَاثُ هُنَّ رَأْسُ التَّوَّاضِعِ: أَنْ يَبْدَأَ بِالسَّلَامِ مَنْ لَقِيَهُ، وَيَرْضَى بِالذُّونِ مِنْ شَرَفِ الْمَجْلِسِ، وَ يَكْرَهُ الرِّيَا وَالسُّمْعَةَ؛ سه چیز است که سرآغاز تواضع است: نخست اینکه انسان هر کس را ببیند ابتدا به او سلام کند و در پایین مجلس بنشیند و تظاهر و ریا و سمعه را ناخوش دارد»

امام صادق علیه السلام: «مِنَ التَّوَّاضِعِ أَنْ تَرْضَى بِالْمَجْلِسِ دُونَ الْمَجْلِسِ وَأَنْ تُسَلِّمَ عَلَى مَنْ تَلْقَى وَأَنْ تُتْرِكَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كُنْتَ مُحِقًّا، وَلَا تُحِبَّ أَنْ تُحَمَدَ عَلَى التَّقْوَى (الكافی، ج ۳، ص ۳۱۷)؛ از نشانه‌های تواضع این است که در نشستن به پایین مجلس راضی باشی و به هر کس بر می خوری سلام بگویی و جدال را ترک کنی هر چند که حق با تو باشد و دوست نداشته باشی که تو را به پرهیزکاری بستانند.»



امام رضا علیه السلام: «التَّوَاضُّعُ دَرَجَاتٌ مِنْهَا أَنْ يَعْرِفَ الْمَرْءُ قَدْرَ نَفْسِهِ فَيُنْزِلُهَا مَنْزِلَتَهَا بِقَلْبٍ سَلِيمٍ لَا يُحِبُّ أَنْ يَأْتِيَ إِلَى أَحَدٍ إِلَّا مِثْلُ مَا يُؤْتَى إِلَيْهِ، أَنْ رَأَى سَيِّئَةً دَرَاهَا بِالْحَسَنَةِ، كَاطِمُ الْغَيْظِ، عَافٍ عَنِ النَّاسِ، وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (الكافی، ج ۲، ص ۱۲۴)؛ تواضع درجات و مراتبی دارد که یک از آنها این است که انسان قدر و موقعیت خویش را بداند و آن را در همان جایگاه، با قلب سلیم جای دهد، دوست نداشته باشد کاری درباره کسی انجام دهد مگر همانند آن چه با وی انجام می‌دهند (و همان‌گونه که انتظار احترام از دیگران دارد، دیگران را محترم بشمارد و هر کاری را از سوی دیگران دون شأن خود می‌شمرد، درباره دیگران نیز دون شأن بشمرد) و هرگاه بدی از کسی ببیند آن را با نیکی پاسخ دهد، خشم خود را فرو برد و از گناهان مردم درگذرد و آن‌ها را مورد عفو و بخشش قرار دهد.»



امام خامنه‌ای: در جمهوری اسلامی، همه‌ی قشرها، چه کسانی که مسئولیتی در نظام جمهوری اسلامی دارند... چه مردم معمولی جامعه که سمت و منصب و شغل و اعتباری ظاهری را یدک نمی‌کشند، اگر سعی کنند همین يك خصوصیت را (تواضع، زدودن روح تکبر و استعلا و علو) که موجب طغیان است در خودشان به وجود آورند، بسیاری از مشکلات حل خواهد شد و جامعه، جامعه‌ی حقیقتاً اسلامی خواهد شد... آن احساس و وسوسه‌ای که درون من و شما وجود داشته باشد، دائم به ما بگوید که ما از دیگران بالاتریم، حرف ما از حرف دیگران قابل قبول‌تر است، شأن ما از شأن دیگران بیشتر است؛ این، موجب فساد و اختلاف و گسستن همه چیز در نظام اسلامی است؛ این را باید از بین برد. اگر ما این صفت شیطانی را در وجود خودمان و در صحن جامعه از بین بردیم، برادری و همکاری به وجود خواهد آمد و روز به روز، وحدت بهتر و بیشتری ایجاد خواهد شد و جامعه، التیام الهی و اسلامی خودش را به دست خواهد آورد. (بیانات در جمع اقشار مختلف مردم،

(۳۰/۱/۱۳۶۹)

جلسہ ۶:

اعتماد و حسن ظنّ





حسن ظن مایه آرامش، استحکام پیوند برادری و وحدت است. قرآن کریم مجموعه‌های ایمانی را از سوءظن و بد دلی افراد نسبت به یکدیگر نهی کرده، می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ أَثْمٌ (حجرات: ۱۲)**؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید؛ زیرا به راستی بعضی از گمان‌ها گناه است.» همچنین در جای دیگر می‌فرماید: **وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ، إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (اسراء: ۳۶)** چیزی را که به آن علم نداری (از روی ظن و گمان) پیروی مکن و ترتیب اثر مده که گوش و چشم و دل، همگی باز خواست می‌شوند. نکته تفسیری: چنان که از آیات شریفه بر می‌آید بی اعتمادی و سوء ظن فضای روانی جامعه را به هم می‌ریزد و در روند شکل‌گیری برادری ایمانی، همدلی و نهایتاً انسجام اجتماعی اختلال ایجاد می‌کند.



محیط اداری و سازمانی باید عاری از هرگونه سوءظن و نسبت‌های ناروا دادن به دوستان و همکاران باشد.

امام امام علی علیه السلام: «ضَعُ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيَكَ مَا يَغْلِبُكَ مِنْهُ وَلَا تَنْظُنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجْتَ مِنْ أَخِيكَ سُوءًا وَأَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمِلًا» (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۶۲)؛ کار برادرت را به نیکوترین وجه آن، حمل کن و سخنی را که برادرت گفته تا وقتی که می‌توانی به وجه نکویی حمل کنی به بدی حمل مکن.»

امام امام علی علیه السلام در بیانی دیگر از حسن ظن به عنوان عامل پیشرفت امور و گشایش مشکلات یاد می‌کند و می‌فرماید: «وَأَعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ بِأَدْعَى إِلَى حُسْنِ ظَنِّ [وَالِ] رَاجِعٍ بِرِعِيَّتِهِ مِنْ إِحْسَانِهِ إِلَيْهِمْ ... فَلْيَكُنْ مِنْكَ فِي ذَلِكَ أَمْرٌ يَجْتَمِعُ لَكَ بِهِ حُسْنُ الظَّنِّ بِرِعِيَّتِكَ فَإِنَّ حُسْنَ الظَّنِّ يَقْطَعُ عَنْكَ نَصَبًا طَوِيلًا» (البلاغه، نامه ۵۳)؛ بدان که بهترین احسان و بخشش حاکم و مدیر بر مردم، خوش بینی و حس ظن اوست به آنها... پس کاری کن که حسن ظن تو بر رعیت فراهم آید؛ زیرا وجود حسن ظن در تو موجب برطرف شدن خیلی از مشکلات می‌گردد.



امام علی علیه السلام: «مَنْ غَلَبَ عَلَيْهِ سُوءُ الظَّنِّ لَمْ يَتْرُكْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلِيلٍ صُلْحاً» (شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۴۰۶)؛ بدگمانی بر دل هر کس چیره شود، بین او و دوستش دیگر صلح و صفایی باقی نمی‌گذارد. امام علی علیه السلام: إِذَا اسْتَوَى الصَّلَاحُ عَلَى الزَّمَانِ وَأَهْلِيهِ ثُمَّ أَسَاءَ رَجُلٌ الظَّنَّ بِرَجُلٍ لَمْ تَظْهَرْ مِنْهُ حَوْبَةٌ فَقَدْ ظَلَمَ وَإِذَا اسْتَوَى الْفُسَادُ عَلَى الزَّمَانِ وَأَهْلِيهِ فَأَحْسَنَ رَجُلٌ الظَّنَّ بِرَجُلٍ فَقَدْ غَرَّرَ (غررالحکم، ۲۹۳)؛ چون صلاح و نیکی بر مردم زمان غالب گردد اگر کسی به کسی که از او رسوایی‌ای ظاهر نشده گمان بد برد قطعاً ستم نموده. و اگر بر مردم زمان فساد غالب شود و کسی به کسی گمان خوب برد خود را گول زده است.

انسان مومن بایستی از انجام کارهایی که موجب سوءظن به آنان می‌شود پرهیزند. امام علی علیه السلام: «مَنْ عَرَّضَ نَفْسَهُ لِلتَّهْمَةِ فَلَا يُلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ» (کافی، ج ۸، ص ۱۵۲)؛ کسی که خود را در معرض تهمت قرار دهد، نباید کسی را که به او گمان بد برده، ملامت نکند.



حضرت امام خمینی علیه السلام درباره نقش اعتماد در روابط اجتماعی می‌فرماید: زندگانی اجتماعی چرخ بزرگش بر اعتماد مردم به یکدیگر می‌چرخد که اگر خدای نخواست اعتماد از بنی‌الانسان برداشته شود، ممکن نیست بتوانند با راحتی زندگی کنند و پایه بزرگ اعتماد، بر امانت و ترک خیانت گذاشته شده است. پس شخص خائن، مورد اطمینان نیست و از مدنیّت و هم‌عضوی جامعه انسانی خارج است و او را در محفل مدینه فاضله به عضویت نمی‌پذیرند و معلوم است چنین شخصی با چه حالت سخت و زندگی تنگی زیست می‌نماید

(شرح چهل حدیث، ص ۴۷۶).





امام خامنه‌ای: توصیه می‌کنم که کوشش کنید حسن ظن داشته باشید. مضمون روایت هم همین است که وقتی خیر حاکم و غالب بر زمان است، آدم باید حسن ظن داشته باشد و وقتی شر غالب است، انسان باید سوء ظن داشته باشد. امروز، دیگر اسلام و خیر غالب و حاکم است و حکومت و رهبری و دولت، اسلامی است. اگر چه در جامعه شر هم وجود دارد؛ اما غلبه و حاکمیت با خیر است. امروز، روز حسن ظن است. من هیچ موافق نیستم با اینکه فضای جامعه را فضای سوظن و فضای بدگمانی قرار بدهیم.

بین مسلمان‌ها رسم بود که نزد پیامبر می‌آمدند و در گوش آن حضرت حرف‌هایی می‌زدند و به صورت نجوا، حدیث مخفی و محرمانه‌یی را می‌گفتند که آیه نازل شد و مردم را از نجوا و درگوشی با پیامبر نهی کرد؛ چون در دیگر مسلمان‌ها ایجاد سوءظن می‌کرد.

جلسہ ۷: عفو و گذشت





قرآن کریم: وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ (نور: ۲۲)؛ و باید عفو کنند و درگذرند، آیا دوست نمی دارید که خداوند بر شما ببخشد.

قرآن کریم خطاب به رسول اکرم ﷺ: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف: ۱۹۹)؛ گذشت پیشه کن، و به [کار] پسندیده فرمان ده، و از نادانان رُخ برتاب.

در بیانی دیگر می فرماید: «فَاَصْفَحْ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» (حجر: ۸۵)؛ به طریق نیکو گذشت کن.

از امام علی علیه السلام در تفسیر این آیه چنین نقل شده است: «صفح جمیل، عفو بدون عتاب و سرزنش است» (مجمع البیان، ج ۶، ص ۳۴۴).





قرآن کریم در ترسیم سیمای پرهیزگاران: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۴)؛ همانها که در توانگری و تنگدستی، انفاق می‌کنند؛ و خشم خود را فرو می‌برند؛ و از خطای مردم درمی‌گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد.»

رسول اکرم ﷺ: «عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَا يَزِيدُ الْعَبْدَ إِلَّا عِزًّا فَعَاْفُوا يُعَزِّزَكُمُ اللَّهُ» (الكافي، ج ۲، ص ۱۰۸)؛ بر شما باد به عفو کردن؛ زیرا عفو و گذشت جز بر عزت بنده نمی‌افزاید، پس گذشت کنید تا خدا شما را عزیز دارد.



رسول اکرم ﷺ: «تَعَاَفَوْا تَسْقُطِ الصَّغَائِرُ بَيْنَكُمْ» (میزان الحکمه، ج ۶، ص ۳۶۷)؛ از یکدیگر در گذرید تا کینه‌ها از میانتان رخت ببرند.»

امام علی علیه السلام: «أَشْرَفُ أَخْلَاقِ الْكَرِيمِ تَغَاْفُلُهُ عَمَّا يَعْلَمُ» (شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۴۵۰)؛ شریف‌ترین خوی انسان کریم، چشم‌پوشی از خطاهایی است که می‌داند.»

نکته: کلمه آخر این حدیث، به این نکته تصریح دارد که چشم‌پوشی منحصر در خطاهای دیدنی نیست بلکه خطاهای شنیدنی، گزارشی و مانند آن را نیز شامل می‌شود.

امام علی علیه السلام: «نِصْفُ الْعَاقِلِ احْتِمَالٌ وَنِصْفُهُ تَغَاْفُلٌ» (غررالحکم، ص ۷۲)؛ نیمی از وجود شخص خردمند سازگاری و تحمل کردن و نیمه دیگر او چشم‌پوشی نمودن است.»



امام علی علیه السلام در عهدنامه خود به مالک اشتر می نویسد: «فَأَعْطِهِمْ مِنْ عَفْوِكَ وَصَفْحِكَ مِثْلَ الَّذِي تُحِبُّ أَنْ يُعْطِيَكَ اللَّهُ مِنْ عَفْوِهِ وَصَفْحِهِ (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ مردم را از عفو و اغماض خویش برخوردار ساز به گونه ای که دوست می داری خداوند تو را از عفو و اغماض خویش برخوردار سازد.»

امام صادق علیه السلام: صَلَاحُ حَالِ التَّعَايُشِ وَالتَّعَاشِرِ مِثْلُ مِكَيَالٍ: ثُلَاثُ فِطْنَةٍ وَثُلَاثُ تَغَاوُلٍ (تحف العقول، ۳۵۹)؛ درستی وضع زندگی اجتماعی و معاشرت با مردم، مانند پیمانه پُری است که دو سوم آن توجه و هوشیاری است، و یک سومش چشم پوشی.»



امام خامنه‌ای: والعافینَ عَنِ التَّاسِ یعنی از خطاها و گناهان و لغزش‌های مردم باید گذشت. از آن گناهی نباید صرف نظر کرد که لغزش نبوده و از روی تعمد و عناد انجام گرفته است؛ خدا هم از یک چنین گناهی مشکل صرف نظر بکند. اما لغزش‌ها، قصورها که در کار عامه مردم فراوان هست، قابل گذشتن و عفو کردن است.



ماہ رمضان مبارک

سبق زندگی اسلامی در قرآن کریم

۵۱



ماہ رمضان مبارک

جلسہ ۸: نصح و خیرخواہی





خیرخواهی یعنی خواستن خیر و خوبی دیگران. بنابراین انسان خیرخواه کسی است که طالب خیر و خوبی دیگران بوده، آنها را به گفتار و کردار نیک دعوت می‌نماید. او همواره خواهان بقای نعمت‌ها و موفقیت‌های دیگران است و هرگز دوست ندارد که به آنها بدی و مصیبت برسد. قرآن کریم از زبان حضرت نوح علیه السلام: «أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (اعراف: ۶۲)؛ رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم؛ و خیرخواه شما هستم؛ و از خداوند چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید.

قرآن کریم از زبان حضرت هود علیه السلام: «أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ (اعراف: ۶۸)؛ رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم؛ و من خیرخواه امینی برای شما هستم.»



قرآن کریم از زبان حضرت صالح: «يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ... (اعراف: ۷۹)؛ ای قوم! من رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم، و شرط خیرخواهی را انجام دادم...»

قرآن کریم از زبان حضرت شعیب: «يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ... (اعراف: ۹۳)؛ ای قوم من! من رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و برای شما خیرخواهی نمودم؛ با این حال، چگونه بر حال قوم بی‌ایمان تأسف بخورم؟!»

رسول خدا ﷺ: «إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْشَاهُمْ فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لِخَلْقِهِ (الكافی، ج ۲، ص ۲۰۸)؛ بلند مقام ترین مردم در پیشگاه خداوند در قیامت کسی است که از همه بیشتر تلاش در خیرخواهی مردم کرده است.»

رسول خدا ﷺ: لِيَنْصَحَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَخَاهُ كَنَصِيحَتِهِ لِنَفْسِهِ (الكافی، ج ۲، ص ۲۰۸)؛ باید هر کدام از شما نسبت به برادر مؤمن خود خیرخواه باشد به همان اندازه که نسبت به خویش خیرخواه است.



امام علی علیه السلام: در نامه مشهور خود به مالک اشتر، خیرخواهی را از شاخص‌های انتخاب فرماندهان و مسئولین ذکر می‌کند و می‌فرماید: «قَوْلٍ مِنْ جُنُودِكَ أَنْصَحَهُمْ فِي نَفْسِكَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِإِمَامِكَ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ از لشکریان کسی را به فرماندهی بگمار که نزد تو نسبت به خدا و رسول او و امام تو خیرخواه‌تر است.»

امام صادق علیه السلام: «عَلَيْكُمْ بِالنُّصْحِ لِلَّهِ فِي خَلْقِهِ فَلَنْ تَلْقَاهُ بِعَمَلٍ أَفْضَلَ مِنْهُ» (الکافی، ج ۲، ص ۲۰۸)؛ بر شما باد که به خاطر خدا خیرخواه مردم باشید که هرگز با عملی بهتر از آن به ملاقات خدا نخواهی رفت.»

امام صادق علیه السلام: «يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ النَّصِيحَةُ لَهُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ» (الکافی، ج ۲، ص ۲۰۸)؛ بر مؤمن واجب است که خیرخواه [برادر] مؤمن [خود] باشد؛ چه در پشت سر و چه در حضور او.»



♦♦ خیرخواهی عامل پیوند دلها

خیرخواهی باعث ایجاد محبت و پیوند میان دل‌ها می‌شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «النَّصِيحَةُ يُثْمِرُ الْمَحَبَّةَ» (غررالحکم، ص ۴۰)؛ محبت، ثمره‌ی خیرخواهی است. همچنین آن حضرت می‌فرماید: «النَّصِيحَةُ تُثْمِرُ الْوُدَّ» (بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۴۹) نصیحت دوستی به بار می‌آورد.

هر کس طالب خیر و خوبی برای مسلمانان باشد، در هر خیری که به ایشان برسد شریک است؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: اصْطَنِعَ الْخَيْرَ إِلَى مَنْ هُوَ أَهْلُهُ، وَإِلَى مَنْ هُوَ غَيْرُ أَهْلِهِ، فَإِنْ لَمْ تُصَبِّ مَنْ هُوَ أَهْلُهُ فَأَنْتَ أَهْلُهُ (بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۴۹)؛ خوبی و احسان کن، چه به کسی که شایسته آن هست و چه به کسی که شایستگی آن را ندارد؛ زیرا اگر کسی که به او احسان کرده‌ای شایستگی احسان را نداشته باشد، تو به فضیلت احسان دست یافته‌ای.





امام خامنه‌ای داماد در تفسیر حدیث «لَيَنْصَحَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَخَاهُ كَنَصِيحَتِهِ لِنَفْسِهِ» (الکافی، ج ۲، ص ۲۰۸)؛ هر یک از شما باید خیرخواه برادرش باشد آنگونه که خیرخواه خویش است»، می‌فرماید:

لینصح الرجل... یعنی [مسلمان] باید خیرخواه برادر مسلمانش باشد. همانطور که برای خودش خیر می‌خواهد برای برادر مؤمن‌اش هم بخواهد. فرض کنید برادر مؤمن اقدامی می‌خواهد انجام بدهد که شما می‌دانید ضرر خواهد کرد چه دنیوی و چه اخروی؛ اگر خودتان باشید (این کار را) نمی‌کنید. عین همین احساس را نسبت به برادر مؤمن داشته باشید. گاه با گفتن گاه با تمهید مقدمات طوری عمل می‌کند که او از این کار منصرف شود.... حال ببینید اگر در جامعه اسلامی مرد و زن و غنی و فقیر و... نسبت به هم چنین احساسی داشته باشند، مجموعه انسان‌های جامعه کأنه هویت واحد می‌شوند. چقدر اهمیت دارد برای کشور که این‌گونه باشد. این را مقایسه کنید با کشوری که افراد همه بد یکدیگر را می‌خواهند، راهی که خود نمی‌رود، دلش می‌خواهد دیگران بروند یا بالعکس، یا یک درجه پایین‌تر، (نسبت به بقیه) بی‌تفاوت است، دل‌ها از هم جداست...

(بیانات در درس خارج، ۱۳۸۹/۹/۱).



ماہ رمضان مبارک

سبک زندگی اسلامی در قرآن کریم

۵۷



ماہ رمضان مبارک

جلسہ ۹: صلح و آشتی





قرآن کریم: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (حجرات: ۱۰)؛ مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید!

قرآن کریم: «...فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلَحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (انفال: ۱)؛ پس، از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و خصومت‌هایی را که در میان شماست، آشتی دهید! و خدا و پیامبرش را اطاعت کنید اگر ایمان دارید!

قرآن کریم: «وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِّإِيمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. (بقره: ۲۲۴)؛ خدا را در معرض سوگندهای خود قرار ندهید! و برای اینکه نیکی کنید، و تقوا پیشه سازید، و در میان مردم اصلاح کنید (سوگند یاد ننمایید)! و خداوند شنوا و داناست.



رسول خدا ﷺ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مَنْ دَرَجَةِ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَالصَّدَقَةِ؟ إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ؛ فَإِنَّ فُسَادَ ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ الْحَالِقَةُ (نهج الفصاحه، ص ۲۴۰)؛ آیا شما را به چیزی با فضیلت تر از نماز و روزه و صدقه (زکات)، آگاه نکنم؟ آن چیز، اصلاح میان مردم است؛ زیرا اختلاف و خصومت میان مردم، گُشنده و براندازنده است.

رسول خدا ﷺ: أَيُّمَا مُسْلِمَيْنِ تَهَاجَرَا، فَمَكَثَا ثَلَاثًا لَا يَصْطَلِحَانِ إِلَّا كَانَا خَارِجَيْنِ مِنَ الْإِسْلَامِ، وَلَمْ يَكُنْ بَيْنَهُمَا وَلَايَةٌ، فَأَيُّهُمَا سَبَقَ إِلَى كَلَامِ أَخِيهِ، كَانَ السَّابِقَ إِلَى الْجَنَّةِ يَوْمَ الْحِسَابِ (الكافي، ج ۲، ص ۳۴۵)؛ هر دو مسلمانی که با هم قهر کنند و سه روز به قهر خود ادامه دهند و آشتی نکنند، هر دو از اسلام بیرون روند و میان آنان هیچ پیوند دینی نباشد و هر کدام از آنان پیش از دیگری با برادرش حرف بزند، در روز حسابرسی جلوتر به بهشت رود.



رسول خدا ﷺ: «يَا أَبَا أَيُّوبَ، أَلَا أَخْبَرُكَ وَأَدُلُّكَ عَلَى صَدَقَةٍ يُحِبُّهَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ؟ تُصْلِحُ بَيْنَ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَتَبَاعَدُوا (مجموعه ورام، ج ۱، ص ۶)؛ ای ابو ایوب! آیا تو را به صدقه‌ای که خدا و فرستاده‌اش آن را دوست دارند، آگاه و راه‌نمایی نکنم؟ [آن صدقه، این است که] هر گاه مردم با هم بد شدند و از یکدیگر دوری کردند، میان آنها را اصلاح کنی.»

امام علی علیه السلام: ... صَلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّةِ الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ (الكافی، ج ۷، ص ۵)؛ آشتی دادن میان مردمان از همه نماز و روزه [مستحبی] بهتر است.



امام خامنه‌ای: غالباً وقتی گفته می‌شود تقوا، پرهیزگاری، ذهن انسان می‌رود به رعایت ظواهر شرع و محرمات و واجباتی که دم دست ماست؛ نماز بخوانیم، وجوهات شرعی مان را بدهیم، روزه بگیریم، دروغ نگوئیم. البته اینها مهم است، همه‌اش مهم است؛ لیکن تقوا ابعاد دیگری هم دارد که غالباً ما از اینها غفلت می‌کنیم. در دعای شریف مکارم الاخلاق يك فقره‌ای در توضیح این ابعاد دیگر هست: «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَحَلِّیْ بِحُلِیَةِ الصّٰلِحِیْنَ وَالبَسْنِیْ زِیْنَةَ الْمُتَّقِیْنَ؛ از خدای متعال درخواست می‌کند که پروردگارا! مرا با زیور صالحان زیور بده و با لباس پرهیزگاران ملبس کن. خوب، این لباس پرهیزگاران چیست؟ آن وقت این شرح جالب است: ... «وَضَمَّ اهل الفرقة»؛ افرادی که از شمایند، اما جدا شدند، سعی کنید اینها را گرد بیاورید.



این جزو موارد تقواست، که در دعای شریف مکارم الاخلاق- دعای بیستم صحیفه‌ی مبارکه‌ی سجادیه- به آن اشاره شده است. این دعا، بسیار دعای مهمی است. من عقیده‌ام این است که همه، بخصوص کارگزاران، باید این دعا را بخوانند و در مضامینش دقت کنند؛ تعلیم‌دهنده است. «و اصلاح ذات البین»؛ به جای آتش افروزی، خبرچینی، این را به جان آن انداختن، آن را در پوستین این انداختن، اصلاح ذات البین کنند؛ بین برادران مؤمن، برادران مسلمان، ایجاد ائتلاف کنند؛ اینها تقواست.

(۱۳۸۹/۰۵/۲۷) بیانات در دیدار کارگزاران نظام.

جلسہ ۱۰: مواسات





موااسات یعنی مشارکت، همراهی کردن و کمک کردن به برادران و هم نوعان خود در همه‌ی امور. این که انسان با مردم و برادران دینی خود در مشکلات و گرفتاری‌هایشان همدردی کند و کمک فکری، کمک مالی، کمک جسمانی، کمک آبروئی و ... به برادران دینی را وظیفه خود بداند. یاری مؤمنان به یکدیگر در سختی‌ها و گرفتاری‌های زندگی و دفاع از ارزشهای الهی، قلبهای آنان را نسبت به یکدیگر نزدیک و رؤف می‌سازد و پیوند برادری آنها را بیش از پیش حفظ و تقویت می‌کند.



قرآن کریم: وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِلْسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (معارج: ۲۴-۲۵)؛ و آنها که در اموالشان حق معلومی است برای تقاضاکننده و محروم»

قرآن کریم: لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (ممتحنه ۸)؛ [خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند نهی نمی کند؛ چرا که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد.]



رسول خدا ﷺ: «الْمُؤْمِنُونَ فِي تَبَارِهِمْ وَتَرَاحِمِهِمْ وَتَعَاطِفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى تَدَاعَى لَهُ» (بحار الانوار، ج ٥٨، ص ١٥٠)؛ مؤمنان در نیکی و مهر و ملاطفت به یکدیگر، بسان یک پیکرند که وقتی احساس درد کند، همه اعضا در بی خوابی و تب، با او همراه شوند.

«يَا عَلِيُّ! سَيِّدُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: انْصَافُكَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ وَمُوَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَذِكْرُكَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى كُلِّ حَالٍ» (بحار الانوار، ج ٦٦، ص ٣٧١)؛ ای علی! سرور کارها سه خصلت است: ١- از جانب خویش، با مردم به انصاف رفتار کنی. ٢- به خاطر خدای بزرگ با برادرت مواسات کنی. ٣- خدای متعال را در هر حالی به یاد آوری.»



شخصی به حضور رسول خدا ﷺ مشرف شد و عرض کرد: به من عملی را بیاموز که اگر آن را انجام دهم ... مردم مرا دوست بدارند... رسول خدا ﷺ فرمود: «...وَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ يُحِبَّكَ الْمَخْلُوقُونَ فَأَحْسِنْ إِلَيْهِمْ وَارْقُصْ مَا فِي أَيْدِيهِمْ (بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۶۴)؛ اگر می خواهی مردم تو را دوست بدارند، به آنها احسان و نیکی کن و چشم طمع از دارایی آنها بپوش.»

امام علی علیه السلام: «مَا حَفِظَتِ الْأُخُوَّةَ بِمَثَلِ الْمُوَاسَاةِ (غررالحکم، ص ۶۹۰)؛ چیزی مانند مواسات، اخوت و برادری را حفظ نمی کند.

امام علی علیه السلام: «إِخْتَبِرُوا شِيعَتِي بِخَصْلَتَيْنِ فَإِنْ كَانَتْ فِيهِمْ فَهُمْ شِيعَتِي مُحَافِظَتُهُمْ عَلَى أَوْقَاتِ الصَّلَاةِ وَ مُوَاسَاتُهُمْ مَعَ إِخْوَانِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ بِالْمَالِ وَإِنْ لَمْ تَكُنَا فِيهِمْ فَأَغْزِبْ ثُمَّ اغْزِبْ ثُمَّ اغْزِبْ (جامع الاخبار، ص ۳۵)؛ شیعیان مرا به دو خصلت امتحان کنید که اگر دارای این دو خصلت بودند شیعه اند: اهمّیت به نماز در اوّل وقت و دستگیری برادران دینی خود با مال، اگر این دو در آنها نبود از ما دورند و دورند و دورند.



امام جواد علیه السلام: «ثَلَاثٌ يَجْلِبْنَ الْمَوَدَّةَ؛ سه چیز سبب جلب محبت دیگران است: «الْأَنْصَافُ فِي الْمُعَاشِرَةِ وَ الْمُوَاسَاةُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّجُوعُ عَلَى قَلْبِ سَلِيمٍ (بحار الانوار، ج ٧٥، ص ٨٢)؛ انصاف در معاشرت، برابری و موااسات در سختی‌ها و پاک‌دلی و خیرخواهی نسبت به دیگران.»

امام سجاد علیه السلام خطاب به زهری که به دلیل وجود حسودان و طمع ورزان و اطرافیان خود دچار حزن و اندوه شده بود و از آنان گله داشت، فرمود: «چه می‌شود که مسلمانان را به منزله خانواده‌ات، بزرگ‌سالشان را به منزله پدرت، خردسالشان را به منزله فرزندت و هم‌سالت را به منزله برادرت به شمار آوری؟ (بحار الانوار، ج ٦٨، ص ٢٢٩)».



امام خامنه‌ای: مواسات یعنی هیچ خانواده‌ای از خانواده‌های مسلمان و هم‌میهن و محروم را با دردها و محرومیت‌ها و مشکلات خود تنها نگذاشتن؛ به سراغ آن‌ها رفتن و دست کمک‌رسانی به سوی آن‌ها دراز کردن. (بیانات، ۱۳۸۱/۹/۱۵).

عده‌ای هستند که در این شرایط و در این اوضاع حقیقتاً زندگی‌شان بسختی قابل‌گذران است و نمی‌توانند زندگی معمولی عادی خودشان را اداره کنند؛ مردمی که دستشان باز است و توانایی دارند بایستی در این زمینه فعالیت وسیعی را شروع کنند. در صلوات شریف «شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ» می‌خوانیم: «وَارْزُقْنِي مُوَاَسَاةً مَّنْ قَتَّرَتْ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعَتْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ ... وَ أَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ؛ یعنی این یکی از کارهای لازمی است که بایستی انجام بگیرد؛ بخصوص که ماه رمضان در پیش است. ماه رمضان، ماه انفاق است، ماه ایثار است، ماه کمک به مستمندان است؛ چه خوب است که یک رزمایش گسترده‌ای در کشور به وجود بیاید برای مواسات و همدلی و کمک مؤمنانه به نیازمندان و فقرا که این اگر اتفاق بیفتد، خاطره‌ی خوشی را از امسال، در ذهنها خواهد گذاشت. ما برای اینکه ارادتمان به امام زمان ثابت بشود. بایستی صحنه‌ها و جلوه‌هایی از جامعه‌ی مهدوی را خودمان به وجود بیاوریم، جامعه‌ی مهدوی، جامعه‌ی قسط و عدل است و جامعه‌ی عزّت است، جامعه‌ی علم است، جامعه‌ی مواسات و برادری است؛ اینها را بایستی ما در زندگی خودمان تحقق ببخشیم (بیانات: ۱۳۹۹/۱/۲۱).



جلسه ۱۱: وفای به عهد





قرآن کریم: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء: ۳۴)؛ و به عهد (خود) وفا کنید، که از عهد سؤال می شود!

قرآن کریم: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ اللَّهُ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا» (نحل: ۹۱)؛ و هنگامی که با خدا عهد بستید به عهد او وفا کنید و سوگندها را بعد از محکم ساختن نشکنید درحالی که خدا را کفیل و ضامن بر سوگند خود قرار داده اید، به یقین خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است.»

قرآن کریم پایبندی به عهد و پیمان را از مهم ترین شاخص های مؤمنین معرفی می کند و می فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (مومنون: ۸)؛ مؤمنان کسانی هستند که امانت ها و پیمان خود را رعایت می کنند.»



رسول خدا ﷺ: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ وَلَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا يُتِمُّ رُكُوعَهَا وَسُجُودَهَا» (بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۱۹۸)؛ آن که امانتدار نیست، ایمان ندارد و آن که پیمان ندارد، دین ندارد و آن که رکوع و سجود نمازش را کامل به جا نیاورد، نمازش پذیرفته نیست.»

رسول خدا ﷺ: «تَقَبَّلُوا لِي سِتَّ خِصَالٍ أَتَقَبَّلُ لَكُمْ بِالْجَنَّةِ إِذَا حَدَّثْتُمْ فَلَا تَكْذِبُوا وَإِذَا وَعَدْتُمْ فَلَا تُخْلِفُوا وَإِذَا أَيْتَمَنْتُمْ فَلَا تَخُونُوا....» (بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۲۸۶)؛ شش چیز را برای من به عهده گیرید (و انجام آن را تعهد کنید) من بهشت را برای شما به عهده می گیرم و ضمانت می کنم: وقتی سخن گوئید و مطلبی را نقل کنید دروغ نگوئید؛ هنگامی که وعده دادید تخلف نکنید (و به وعده خود عمل کنید)؛ هرگاه امانتی به شما سپردند، به آن خیانت نکنید....





امام علی علیه السلام: «...لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدُّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعاً مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَائِهِمْ وَتَشْتُّتِ آرَائِهِمْ مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْعُهُودِ (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛

ای مالک در میان واجبات الهی هیچ موضوعی مانند وفای به عهد در میان مردم جهان، با تمام اختلافاتی که دارند، مورد اتفاق نیست.

امام صادق علیه السلام: «ثَلَاثَةٌ لَا عُذْرَ لِأَحَدٍ فِيهَا: أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ (الكافی، ج ۵، ص ۱۳۲)؛ در سه چیز هیچ بهانه‌ای از کسی پذیرفته نیست (و همه باید به آن‌ها عمل کنند): ادای امانت به صاحبش چه نیکوکار باشد و چه بدکار، وفا به پیمان در برخورد با نیکوکار و بدکار و نیکی به پدر و مادر چه نیکوکار باشند، چه بدکار.



امام خامنه‌ای در تفسیر روایت وارده از رسول خدا ﷺ: «أَقْرَبُكُمْ عَدَائِي فِي الْمَوْقِفِ أَصْدَقُكُمْ لِلْحَدِيثِ وَ آدَاكُمْ لِلْأَمَانَةِ وَأَوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ وَأَحْسَنُكُمْ خُلُقاً وَأَقْرَبُكُمْ مِنَ النَّاسِ» (امالی طوسی، ص ۲۲۹)؛ نزدیک‌ترین شما به من در فردای موقف قیامت، راست‌گوترین در سخن، امانت‌دارترین، پایبندترین به پیمان، خوش‌اخلاق‌ترین و نزدیک‌ترین شما به مردم است.» می‌فرماید:

«أَوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ» [در مورد] پیمانهای فردی و اجتماعی، وفای به این عهدها بکنید؛ که البته مهم‌ترینش پیمانهای اجتماعی است؛ این قراردادهای اجتماعی، این حقوق شهروندی [است]... اینجا دارد می‌گوید «أَوْفَاكُمْ بِالْعَهْدِ»؛ «عهد» یعنی قرارداد، آن چیزی که بین شما و بین دیگران قرارداد بسته [شده]. شما وقتی در یک محیط با هم زندگی میکنید، یک قراردادی با هم بسته‌اید دیگر؛ مثل این است که در یک آپارتمانی ده خانواده زندگی میکنند؛ اینها ولو هیچ کاغذی هم امضا نکرده‌اند، [اما] یک معاهداتی در مقابل هم دارند؛ این چیز قهری است دیگر؛ [مثلاً] تو سر و صدا نکن که در خانه‌ی او بچه‌اش از خواب بیدار نشود، او هم سر و صدا نکند که بچه‌ی تو از خواب بیدار نشود؛ این قرارداد روشنی است دیگر؛ حقوق شهروندی یعنی اینها.

جلسہ ۱۲:

قدرشناسی و تشکر





تشکر و سپاسگذاری در برابر خوبی دیگران یک امر فطری است و وجدان سالم و فطرت انسانی گواهی می‌دهد که پاداش نیکی جز نیکی نمی‌تواند باشد. بدیهی است یک فرد قدرشناس با رفتار کلامی و غیر کلامی خود باعث ایجاد محبت و رشد اخلاقی اجتماعی خود می‌گردد. در برخورد با دیگران، قدرشناسی و تشکر، باعث تشویق آن‌ها به همان لطف و نعمت شده، مهرورزی و اخوت را بیش از پیش تقویت می‌کند.





قرآن کریم قدرشناسی را از اوصاف خداوند متعال و انبیاء الهی معرفی می کند: «إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ»، «إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ» و «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ». «وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ»، قرآن کریم: شَاكِرًا لِّلنُّعْمِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (نحل: ۱۲۱)؛ او (حضرت ابراهیم) نسبت به نعمت های خداوند شکرگزار بود، (خدا) او را برگزید و به راه مستقیم هدایتش کرد.

قرآن کریم: لِّمَنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلِمَنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ (ابراهیم: ۷)؛ اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود؛ و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است!





رسول خدا ﷺ: وَمَنْ لَمْ يَشْكُرِ النَّاسَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ (نزهة الناظر، ص ۲۷)؛ کسی که از انسان‌ها تشکر نکند، از خدا تشکر نکرده است.

امام علی ؑ: «بر عهده کسی که به او احسانی شده، آن است که با خوبی بر نعمت‌دهنده نیکی کند و احسان او را جبران نماید. اگر از جبران عملی و مکافات ناتوان بود، با ستایشی شایسته و ثنای نیک برخورد کند. اگر از ستایش زبانی نیز ناتوان بود حداقل نعمت را بشناسد و یه نعمت‌دهنده محبت داشته باشد. اگر این را هم ندارد و نتواند، پس شایسته نعمت نیست (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، همان، ج ۶۸، ص ۵۰).



امام سجاد علیه السلام: «يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِعَبْدٍ مِنْ عِبِيدِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: اشْكُرْتَ فَلَنَا فَيَقُولُ: بَلْ شَكَرْتُكَ يَا رَبِّ. فَيَقُولُ: لَمْ تَشْكُرْنِي اِذْ لَمْ تَشْكُرْهُ. ثُمَّ قَالَ: اشْكُرْكُمْ لِلَّهِ اشْكُرْكُمْ لِلنَّاسِ (الكافي، ج ۲، ص ۹۹)؛ روز قیامت که می شود خداوند متعال به بعضی از بندگانش می گوید: آیا شکر فلان کس را بجای آوردی عرض می کند: پروردگارا! من شکر تو را بجای آوردم، خداوند می فرماید: چون شکر او را بجا نیاوردی شکر مرا بجا نیاورده ای. سپس افزود: «أَشْكُرْكُمْ لِلَّهِ أَشْكُرْكُمْ لِلنَّاسِ؛ از همه شما شکرگزارتر در پیشگاه خدا کسی است که بیشتر از نعمت ها و زحمات مردم قدردانی و شکرگزاری کند.»





امام سجاده علیه السلام: أَمَّا حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ عَلَيْكَ فَأَنْتَ شَكَرُهُ وَتَذَكَّرَ مَعْرُوفُهُ وَتُكْسِبُهُ الْمَقَالَةَ الْحَسَنَةَ وَ تُخْلِصُ لَهُ الدُّعَاءَ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ، كُنْتَ قَدْ شَكَرْتَهُ سِرًّا وَعَلَانِيَةً. ثُمَّ إِنْ قَدَرْتَ عَلَى مُكَافَأَتِهِ يَوْمًا، كَافَيْتَهُ (تحف العقول: ص ۲۶۵)؛ حق کسی که به تو نیکی می کند این است که :از او تشکر کنی و نیکیش را به زبان آوری و از وی به خوبی یاد کنی و میان خود و خداوند عز و جلّ برایش خالصانه دعا کنی. اگر چنین کنی، بی گمان پنهانی و آشکارا از او تشکر کرده باشی. وانگهی اگر روزی توانستی نیکی او را جبران کنی، جبران کن.

امام صادق علیه السلام: اشْكُرْ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَأَنْعِمْ عَلَى مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا إِزَالَهَ لِلنِّعَمِ إِذَا شُكِرَتْ وَلَا إِقَامَةً لَهَا إِذَا كُفِرَتْ وَالشُّكْرُ زِيَادَةٌ فِي النِّعَمِ وَأَمَانٌ مِنَ الْفَقْرِ (تحف العقول، ص ۳۵۹)؛ آن کس را که به تو نعمتی بخشید سپاس گزار و بر آن کس که تو را سپاس گزارد نعمت ببخش، چرا که با سپاسگزاری نعمت از میان نرود و با ناسپاسی، نعمت از میان رود و سپاس، نعمت را افزون کند و از فقر در امان دارد.

جلسه ۱۳:

ایثار و از خودگذشتگی





ایثار در لغت یعنی بذل کردن، دیگری را بر خود برتری دادن، قوت لازم و مایحتاج خود را به دیگری بخشیدن و خود را برای آسایش دیگران به رنج افکندن است. در اصطلاح، مراد از آن، این است که انسان از آنچه خود بدان نیاز دارد جوانمردانه بگذرد و آن را به دیگری که بدان نیازمند است ببخشد. مقام معظم رهبری در معنای ایثار می‌فرمایند: «ایثار یعنی ندیدن و به حساب نیاموردن خود.»





قرآن کریم: «وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (حشر ۹)؛ و دیگران را بر خود ترجیح می دهند، گرچه خودشان به آنچه ایثار می کنند نیاز شدیدی دارند.»

رسول اکرم ﷺ: «مُسْكُوا رَمَقَ الضَّعِيفِ بِجَاهِكُمْ وَ بِالْمُعُونَةِ لَهُ إِنْ عَجَزْتُمْ عَمَّا رَجَاهُ عِنْدَكُمْ» (تحف العقول، ص ۲۲۴)؛ افراد ناتوانی که انتظار کمک از شما دارند و شما نمی توانید انتظار آنان را برآورده سازید، حداقل از وجاهت و اعتبار خود [نزد دیگران] استفاده کنید و آن ها را در برابر مشکلات سرپا نگهدارید.



امام علی علیه السلام: «الایثارُ أحسنُ الإحسانِ وأعلى مراتبِ الإیمانِ (تحف العقول: ۶۶)؛ دیگری را بر خود مقدم داشتن، نیکوترین احسان و بالاترین مراتب ایمان است.»

امام علی علیه السلام: «وَأَعْلَمُ أَنَّ أَفْضَلَ الْمُؤْمِنِينَ أَفْضَلُهُمْ تَقْدِمَةً مِنْ نَفْسِهِ وَأَهْلِيهِ وَمَالِهِ فَإِنَّكَ مَا تُقَدِّمُ مِنْ خَيْرٍ يَبْقَ لَكَ ذُخْرُهُ وَمَا تُؤَخِّرُهُ يَكُنْ لِغَيْرِكَ خَيْرُهُ (نهج البلاغه، نامه ۶۹)؛ بدان بهترین مؤمنان، کسانی‌اند که جان و خاندان و مال خود را در راه خدا پیشاپیش تقدیم کنند. چه آن را که پیش بفرستی برای تو اندوخته گردد و آن چه را که باقی بگذاری سودش به دیگران می‌رسد.»





امام خامنه‌ای: «در یکی از جبهه‌ها، بعد از آن که از خطوط برادران نظامی دیدن کردیم و وضع آن‌ها را که با روحیه بسیار عالی در مقابل دشمن مقاومت می‌کردند دیدیم، بعد که برمی‌گشتیم يك برادر سربازی آمد پیش من، من فکر کردم او احتیاجی دارد، سفارش می‌خواهد، گرفتاری ای دارد. گوش کردم که حرفش را بزند. این برادر نظامی دست کرد در جیب، مبلغی پول - سه هزار تومان فکر می‌کنم - از جیب خودش درآورد، گفت: این فوق‌العاده من است - به سربازانی که در خط هستند پولی به‌عنوان فوق‌العاده می‌دهند - این فوق‌العاده من است و من می‌خواهم این را در راه خدا تقدیم کنم و شما این را به مستضعفین یا به جنگ‌زده‌ها برسانید؛ در حالی که من از شدت هیجان نمی‌توانستم بر اعصاب خود مسلط بشوم؛ از مشاهده این منظره عجیب که جوانی در میدان جنگ جان خودش را آورده فداکارانه و بی‌دریغ در راه خدا بدهد، پول خودش را هم در راه خدا دارد می‌دهد، نه فقط توقعی ندارد، بلکه كمك هم می‌کند».

اسلامی، ۵۱۳۶۸، ش، ۵، ص ۱۵۴-۱۵۵.



جلسہ ۱۴: جماعت و ہمگرایی





قرآن کریم: تَعَاوَنُوا عَلَي الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ (مائده: ۲)؛ در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمائید.

قرآن کریم: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً» (آل عمران: ۱۰۳)؛ همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید که چگونه دشمن یک دیگر بودید و او در میان شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید.

قرآن کریم: «اطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال: ۴۶)؛ از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که ناتوان شوید و مهابت و قوت شما برود.



رسول خدا ﷺ: عَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ؛ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ وَإِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَ الْوَاحِدِ وَهُوَ مِنَ الْاِثْنَيْنِ أَبْعَدُ (کنز العمال، ج ۱، ص ۲۷)؛ همراه جماعت باشید که دست خداوند، با جماعت است و شیطان، همراه فرد تنهاست و از دو نفر، دورتر است.

رسول خدا ﷺ: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَسْكُنَ بُحْبُوحَةَ الْجَنَّةِ فَلْيَلْزِمِ الْجَمَاعَةَ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَ الْوَاحِدِ وَهُوَ مِنَ الْاِثْنَيْنِ أَبْعَدُ (کنز العمال، ج ۱، ص ۲۷)؛ هر که خرسند می شود از این که در میانه بهشت مسکن گزیند، همراهی با جماعت را برگزیند؛ زیرا شیطان با فرد تنهاست و از دو نفر، دورتر است.

رسول خدا ﷺ: اِثْنَانِ خَيْرٌ مِنَ الْوَاحِدِ، وَثَلَاثٌ خَيْرٌ مِنَ اِثْنَيْنِ، وَأَرْبَعَةٌ خَيْرٌ مِنْ ثَلَاثَةٍ، فَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ (کنز العمال، ج ۱، ص ۲۵)؛ دو نفر، بهتر از يك نفر است و سه نفر، بهتر از دو نفر و چهار نفر، بهتر از سه نفر. پس همراه جماعت باشید.

امام علی علیه السلام: «وَالزُّمُّوْا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ [عَلَى] مَعَ الْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذِّئْبِ أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشَّعَارِ فَاقْتُلُوهُ وَلَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷)؛ با اکثریت همداستان شوید که دست خدا همراه جماعت است؛ و از تفرقه پرهیز کنید که موجب آفت است. آن که از جمع مسلمانان به یک سو شود، بهره شیطان است، چنان که گوسفند از گله درماند، نصیب گرگ بیابان است...



امام خامنه‌ای رهبر:

یکی از آسیب‌های سبک زندگی ایرانی - اسلامی را، ضعیف بودن فرهنگ کار جمعی معرفی می‌کند و می‌فرماید: «چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. با اینکه کار جمعی را غربی‌ها به اسم خودشان ثبت کرده‌اند، اما اسلام خیلی قبل از اینها گفته است: «تعاونوا علی البرِّ والتَّقوی» (مائده: ۲)، یا: «واعتصموا بحبل الله جميعاً» (آل عمران: ۱۰۳). یعنی حتی اعتصام به حبل الله هم باید دسته جمعی باشد؛ «ولا تفرّقوا» (بیانات، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

همة نیروهای مسلح را يك خانواده بزرگ بدانید. هر نیرو با برادران و خویشاوندان خود در نیروی دیگر؛ و هر سازمان - ارتش و سپاه و بسیج و نیروی انتظامی - با برادران خود در سازمان‌های دیگر، همچون پارة تن یکدیگر رفتار کنند؛ به هم اعتماد کنید، از هم بهره‌مند شوید، تجارب یکدیگر را به کار بگیرید و روزبه‌روز خودتان را قوی‌تر و آماده‌تر کنید (بیانات، ۱۳۸۴/۹/۳).



«با وحدت و همدلی شما جوانان عزیز است که شعله امید در دل دشمنان افروخته نمی شود و چشم طمع بددلان و نامحرمان به این مرزوبوم دوشسته نمی گردد. ملت شما امروز با صریح شدن تهدید جهان خواران، به این ذخیره ی عظیم نیرو نیازمند است

(پیام به نشست سالیانه و اتحادیه ی تشکل های اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۱/۰۴/۳۱).

«امروز هم وحدت و همدلی و یگانگی همه ی قشرهای ملت، از نظامی و غیر نظامی و بخشهای مختلف نیروهای مسلح، کارساز خواهد بود. امروز تهدید، آن تهدید نیست. شکلها و انواع تهدیدها و وظایف، در طول زمان تغییر پیدا می کند؛ اما روح مسئله، یکی است. امروز هم وحدت کارساز است و ملت ما به آرمان های بزرگ خود، با وحدت می تواند دست پیدا کند

(بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی، ۱۳۸۰/۱۱/۱۸).



♦♦ ناپایسته‌های اخوت و برادری

۱. پرهیز از عیب جویی
۲. پرهیز از تملق و چاپلوسی
۳. پرهیز از دورویی و نفاق
۴. شوخی و استهزاء
۵. پرهیز از تعییر و سرزنش
۶. پرهیز از سعایت، تهمت، غیبت و تخریب
۷. پرهیز از تجسس و سرک‌کشی



جلسہ ۱۵:

پرمیاز از عیب جویی





دقت و جستجوی عیوب و نقاط ضعف دیگران با انگیزه تحقیر و تنقیص یا از روی دشمنی و خصومت را عیب جوئی گویند. با رواج عیب جوئی، روح اخوت و اتحاد، جای خود را به تفرقه و جدایی می دهد، در این صورت، اساس اجتماع متزلزل شده و شیرازه آن از هم می پاشد. لذا همان طور که خداوند متعال، ستّار العیوب است، اهل ایمان نیز، نه تنها باید در جستجوی عیب های دیگران نباشند، بلکه لازم است که در صورت آگاهی از عیب آنها، آن را بپوشانند.

قرآن کریم: «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ (همزه: ۱)؛ وای بر هر عیب جوی مسخره کننده ای.»

نکته تفسیری: از مجموع کلمات ارباب لغت استفاده می شود که دو واژه «هُمَزَةٌ» و «لُّمَزَةٌ» به يك معنی است، و مفهوم وسیعی دارد که هرگونه عیب جوئی و غیبت و طعن و استهزا به وسیله زبان و علائم و اشارات و سخن چینی و بدگوئی را شامل می شود.



قرآن کریم: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ
اللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نور: ۱۹)؛ کسانی که دوست دارند زشتی‌ها [نقاط ضعف و عیوب]
در باره مردم با ایمان شیوع یابد عذاب دردناکی برای آنها در دنیا و آخرت است، و خداوند
می‌داند و شما نمی‌دانید.»

رسول خدا ﷺ: هر که عمل ناشایست کسی را ظاهر کند، مثل آن «مَنْ أَذَاعَ فَاحِشَةً كَانَ
كَمُبْتَدِئِهَا وَمَنْ عَيَّرَ مُؤْمِنًا بِشَيْءٍ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرْكَبَهُ» (الکافی، ج ۲، ص ۳۵۶)؛ است که خودش
آن را به جا آورده باشد. و هر که مؤمنی را به چیزی سرزنش کند، نمیرد تا خود به آن مبتلا
گردد.»



رسول خدا ﷺ: «يَا مَعْشَرَ مَنْ أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يَخْلُصِ الْإِيمَانُ إِلَى قَلْبِهِ لَا تَذُمُوا الْمُسْلِمِينَ وَ لَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِهِمْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَمَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ تَعَالَى عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ وَلَوْ فِي بَيْتِهِ» (الكافى، ج ۲، ۳۵۴)؛ ای گروهی که به زبان اسلام آورده‌اید و هنوز ایمان به دلتان راه نیافته، مسلمانان را سرزنش نکنید و به دنبال عیب‌های آنان مباشید که هرکس به دنبال عیب‌های آنان باشد خداوند، عیب‌جوی او می‌گردد و کسی که خدا عیب‌جویش باشد رسوایش می‌کند هرچند در میان خانه‌اش باشد.





امام علی علیه السلام: «شَرُّ النَّاسِ مَنْ كَانَ مُتَّبِعاً لِعُيُوبِ النَّاسِ عَمِيّاً عَنْ مَعَايِبِهِ» (شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۱۷۶)؛ بدترین مردم کسی است که عیوب مردم را دنبال کند و عیوب خود را نبیند.

امام علی علیه السلام: «مَنْ تَتَّبَعَ خَفِيَّاتِ الْعُيُوبِ حَرَّمَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مَوَدَّاتِ الْقُلُوبِ» (غررالحکم، ص ۶۳۸)؛ هر کس عیب‌های پنهان دیگران را جستجو کند، خدا او را از دوستی دلها، محروم می‌گرداند.

امام صادق علیه السلام: «أَبْعَدُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ يُوَاخِي الرَّجُلَ وَهُوَ يَحْفَظُ عَلَيْهِ زَلَّاتِهِ لِيُعَيِّرَهُ بِهَا يَوْماً مآ» (الكافی، ج ۲، ص ۳۵۵)؛ دورترین حالات انسان از خدا این است که با کسی طرح دوستی بریزد و لغزش‌های او را به خاطر بسپارد تا روزی او را رسوا سازد.





امام خامنه‌ای: عیب‌جویی دو نوع است؛ یک وقت عیب‌جویی جنبه‌ی تحقیر، اهانت، طرف را به خاک سیاه نشانیدن، از طرف انتقام گرفتن و چهره‌ی او را در نظر دیگران زشت کردن است و این کار در هیچ عرف نجیبانه‌ای - نمی‌گویم اسلامی - ممدوح نیست. یک وقت هم نه، هدف از انتقاد، دلسوزی است، تکمیل است، برطرف کردن عیب است و آینه‌وار نمودن عیب شخص یا نظام یا مدیر یا مردم به خود آنهاست و این ممدوح است. ممکن است این هم به نظر شنونده تلخ باشد؛ اما این تلخی، تلخی گوارایی است. این هیچ ایرادی ندارد. حالا من ادعا می‌کنم از نظر دستگاه هم ایرادی ندارد؛ اگر شما در این تردیدی دارید، من به شما صادقانه می‌گویم، لااقل از نظر شخص من، هیچ ایرادی ندارد. ببینید! این هدف و این جهت‌گیری در کیفیت کار معلوم می‌شود؛ یعنی اینکه ما توقع داشته باشیم یک جوری انتقاد کنیم که آن جهت‌گیری اول در آن وجود داشته باشد، اما مردم یا مخاطبین خیال کنند که ما داریم دلسوزی می‌کنیم، این هم نمی‌شود (بیانات، ۱۳۸۵/۳/۲۳).

جلسه ۱۶:

پرهیز از تملق و چاپلوسی





چاپلوسی، حالتی است برخاسته از ضعف نفس و نوعی اسارت روحی انسان که برابر دیگر آدمیان برای جلب منافع و کسب امتیازهای مادی صورت می‌گیرد. تعریف و تمجید بیش از حد و نیز ستایش افرادی که شایستگی آن را ندارند و یا حداقل در این حد نیستند، تملق‌گویی است. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: الشاء بأكثر من الاستحقاق ملق و التقصير عن الاستحقاق عي او حسد (حکمت: ۳۳۹)؛ ثنا و ستایش بیش از استحقاق، تملق است و کمتر از استحقاق، ناتوانی و حسادت است.





قرآن کریم: لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يَحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (آل عمران: ۱۸۸)؛ البته گمان مبر کسانی که بدانچه کرده‌اند شادمانی می‌کنند و دوست دارند به آن چه نکرده‌اند مورد ستایش قرار گیرند قطعاً گمان مبر که برای آنان نجاتی از عذاب است [که] عذابی دردناک خواهند داشت.

امام علی علیه السلام: «شَرُّ إِخْوَانِكَ مَنْ دَاهَتْكَ فِي نَفْسِكَ وَ سَاوَرَكَ عَيْبَكَ (غررالحکم، ص ۴۱)؛ بدترین برادرانت، کسی است که با تو چاپلوسی کند و عیبت را از تو بیپوشاند.»

امام علی علیه السلام: «إِنَّمَا يُحِبُّكَ مَنْ لَا يَتَمَلَّقُكَ، وَيُثْنِي عَلَيْكَ مَنْ لَا يُسْمِعُكَ (غررالحکم، ص ۲۷۳)؛ در حقیقت، کسی تو را دوست دارد که برایت چاپلوسی نکند و کسی تو را می‌ستاید که [ستایش خود را] به گوش تو نرساند.



امام علی علیه السلام: أَجْهَلُ النَّاسِ الْمُغْتَرُّ بِقَوْلِ مَا دِجَ مُتَمَلِّقٍ؛ يُحَسِّنُ لَهُ الْقَبِيحَ، وَيُبْغِضُ إِلَيْهِ النَّصِيحَ (غررالحکم، ص ۲۰۹)؛ نادان‌ترین مردم، کسی است که فریفته سخنان ستاینده چاپلوسی شود که زشت را در نظر او زیبا می‌نمایاند و راه‌نمای خیرخواه را منفور او می‌سازد.

امام علی علیه السلام: كَثْرَةُ الثَّنَاءِ مَلَقٌ يُحْدِثُ الزَّهْوَ وَيُذْنِي مِنَ الْغُرَّةِ (عیون الحکم، ص ۳۸۹)؛ بسیار ستایش کردن از افراد، چاپلوسی است که تکبر را سبب می‌شود و شخص را از عزت دور می‌سازد.



امام علی (ع) در یک سخنرانی، مطالبی را درباره حقوق متقابل رهبری و مردم، بیان کرد. یکی از یاران وی که از این سخنان، سخت هیجان زده شده بود، ضمن اظهار فرمانبرداری، به شیوه معمول ستایشگران، به تفصیل، از امام تمجید و تعریف کرد. حضرت در پاسخ آن همه ستایش‌ها می‌فرماید:

وَإِنَّ مِنْ أَسْخَفِ حَالَاتِ الْوُلَاةِ عِنْدَ صَالِحِ النَّاسِ أَنْ يُظَنَّ بِهِمْ حُبُّ الْفَخْرِ، وَيُوضَعَ أَمْرُهُمْ عَلَى الْكِبَرِ... فَلَا تُكَلِّمُونِي بِمَا تُكَلِّمُ بِهِ الْجَبَابِرَةَ....

(الکافی، ج ۸، ص ۳۵۶):

در دیده مردم پارسا، زشت‌ترین خوی زمامداران این است که بخواهند مردم، آنان را دوستدار بزرگ‌منشی‌شمارند و کارهایشان را به حساب کبر و خودخواهی بگذارند، و خوش ندارم که در خاطر شما بگذرد که من دوستدار ستودنم و خواهان ستایش شنیدن. سپاس خدای را که چنین نیستم، و اگر ستایش‌خواه بودم، آن را به خاطر فروتنی در پیشگاه خدا و می‌گذاردم



پس به زبانی که باگردنکشان سخن می‌گویند، با من سخن مگویید، و چنان‌که از حاکمان تندخو، کناره می‌جویند، از من کناره مجوید، و برای من، ظاهرسازی و خودنمایی نکنید، و بر من گمان مبرید که اگر حرف حقّی بگویید، پذیرفتنش بر من سنگین و دشوار است، و خیال نکنید که من می‌خواهم که بزرگم شمارید؛ چه، آن کسی که شنیدن سخن حق و یا نمایاندن عدل بر او سنگین آید، اجرای حق و عدل، بر وی سنگین‌تر می‌نماید.





سیره امام خامنه‌ای

در جریان دیدار امام خامنه‌ای با نمایندگان مجلس، هنگامی که یکی از نمایندگان مجلس در سخنان خود برخی تعابیر و تمجیدهای مبالغه آمیز را در وصف رهبری طرح کرد، رهبر معظم انقلاب در واکنش به سخنان وی فرمودند: «این تعبیرات کمکی به پیشرفت کار نمی‌کند». حضرت آیت الله خامنه‌ای در واکنش به تعبیرات این نماینده، همچنین فرمودند: «این صحبت‌ها من را شرمند می‌کند و هم به ضرر من است و هم به ضرر گوینده». به نظر می‌رسد، چنین رفتار و برخوردی از سوی رهبر معظم انقلاب در قبال تعریف و تمجیدها، باید به الگویی مناسب برای کارگزاران نظام جمهوری اسلامی در هر رتبه و مسئولیت تبدیل شده و همگان به این رفتار و منش اقتدا کنند.



جلسه ۱۷:

پرهیز از دورویی و نفاق





نفاق یا دورویی آن است که انسان با هر کس روبرو شود به گونه‌ای سخن بگوید یا رفتار کند که او را خوش آید؛ اما در غیاب او به گونه دیگری سخن بگوید یا رفتار کند. در واقع او به گونه‌ای رفتار می‌کند که در قلبش نیست، در ظاهر اظهار دوستی و محبت می‌کند در حالی که دلش پر از کینه است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: لقمان به فرزندش گفت: منافق سه نشانه دارد: زبان او با قلبش، قلب او با عملش و ظاهر او با باطنش هماهنگ نیست (بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۲۶).





رسول خدا ﷺ: «يَا أَبَا ذَرٍّ، مَنْ كَانَ ذُو وَجْهَيْنِ وَلِسَانَيْنِ فِي الدُّنْيَا، فَهُوَ ذُو لِسَانَيْنِ فِي النَّارِ (امالی طوسی، ص ۵۳۸)؛ ای اباذر کسی که در دنیا دو صورت و دو زبان داشته باشد، پس دارای دو زبان در آتش است.»

رسول خدا ﷺ: «يَجِيءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ذُو الْوَجْهَيْنِ دَالِعاً لِسَانَهُ فِي قَفَاهُ وَآخِرُ مَنْ قُدِّمَهُ يُلْتَهَبَانِ (بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۱۸)؛ ناراً حَتَّى يُلْهَبَا جَسَدَهُ؛ انسان دو رو، روز قیامت در حالی حضور می یابد که يك زبان آتشین از پشت سر و زبانی دیگر از پیش رویش آویزان است و پیکرش را نیز می سوزاند.

رسول خدا ﷺ: «مَنْ خَالَفَتْ سِرِّيَّتُهُ عَلَانِيَتَهُ فَهُوَ مُنَافِقٌ كَاِثْنًا مَنْ كَانَ وَحَيْثُ كَانَ وَفِي أَيِّ زَمَنِ كَانَ وَعَلَى أَيِّ رُتْبَةٍ كَانَ (بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۲۷)؛ کسی که باطنش با ظاهرش مخالف باشد او منافق است؛ هرکس باشد و در هر جا که باشد و در هر سرزمین و در هر رتبه و مقامی که باشد



امام باقر علیه السلام: «بُئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَكُونُ ذَا وَجْهَيْنِ وَ ذَا لِسَانَيْنِ؛ يُظَرِّى اخَاهُ شَاهِدًا وَيَأْكُلُهُ غَائِبًا أَنْ أُعْطِيَ حَسَدَهُ وَإِنْ ابْتُلِيَ خَذْلَهُ (تحف العقول، ص ۴۸۸)؛ «چه بد بنده‌ای است آنکه دارای دورو و دو زبان است، در حضور برادرش او را ستایش کند و در پشت سر او را بخورد (غیبت و بدگویی نماید)، اگر ثروتی پیدا کند بر او حسد ورزد و اگر گرفتار شود او را یاری نکند.»

امام صادق علیه السلام: ثَلَاثَةٌ مَكْسَبَةٌ لِلْبَغْضَاءِ: النِّفَاقُ، وَالظُّلْمُ، وَالْعُجْبُ (تحف العقول، ص ۳۱۶)؛ «سه چیز نفرت می‌آورد: دورویی، ستمگری و خودپسندی.»



امام خامنه‌ای (ره):

الان کشور خود ما کشور اسلامی است و از بسیاری از جوامع دنیا هم انصافاً بهتر و پاکیزه‌تر و طاهرتر است اما در عین حال شما ببینید خیلی از مشکلات داخل کشور ما ناشی از نبودن صداقت است؛ صدق‌الحديث نیست، راستگویی نیست. ... فضای مجازی را ملاحظه کنید که بر اثر حرف، شایعه، دروغ، خلاف، تهمت، نسبت بدون واقعیت به این، به آن، به بالا، به پایین، به همدیگر، یک فضای دروغ در کشور به وجود می‌آید؛ ببینید، اینها اشکال است. پس اول «صِدْقُ الْحَدِيثِ» [یعنی] همه سعی کنیم راست بر زبان جاری کنیم. دوم: وَ صِدْقُ النَّاسِ

با مردم هم صادق باشید؛ با مردم با تقلب و خدعه و فریب و دورویی برخورد نکنید. «صِدْقُ النَّاسِ» یعنی صدق عمل با مردم؛ انسان در مواجهه‌ی با مردم با صداقت وارد بشود، با کلک و دروغ و فریب و مانند اینها با مردم برخورد نکند. اگر ما در مسائل گوناگون اجتماعی مان، سیاسی مان، انتخاباتی مان، و مانند اینها، همین یک مورد را مراعات کنیم، ببینید چقدر دنیا آباد خواهد شد (بیانات در درس خارج،

۱۳۹۷/۲/۱۲).





جلسه ۱۸:

پرهیز از تمسخر و استهزاء





تمسخر به معنای مسخره کردن و در اصطلاح عبارت است از بیان گفتار، کردار و یا اوصاف ظاهری یا باطنی افراد به وسیله قول، فعل، اشاره و یا کنایه به گونه‌ای که باعث خنده دیگران گردد. تمسخر و استهزاء، محبت و صمیمیت را از بین می‌برد و کینه و دشمنی را جایگزین آن می‌کند. از این رو به شدت در شرع مقدس مورد نکوهش قرار گرفته است.

نکته: برخی لطیفه‌گویی و مزاح را با مسخره کردن و استهزاء درهم آمیخته‌اند و گمان کرده‌اند که تفاوتی میان این دو گونه رفتار نیست؛ در حالی که مرزهای معناداری میان این دو وجود دارد، به گونه‌ای که خنداندن دیگران با ابزارهای مشروع نه تنها ناپسند و بد نیست بلکه به سبب اذخال السرور و ایجاد شادمانی در دیگران عملی پسندیده و از نظر شرعی مستحب است.





قرآن کریم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ...» (حجرات: ۱۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید گروهی از مردان شما گروه دیگری را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند.» نکته تفسیری: این آیه معیار کلی رعایت حریم انسان‌ها و دوری از تمسخر آنان را مشخص می‌سازد. بنابراین افراد باایمان باید توجه داشته باشند که به هنگام شوخی و مزاح، حریم یکدیگر را حفظ کرده و یکدیگر را مورد تمسخر قرار ندهند.



قرآن کریم: «الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (توبه: ۷۹)؛ آنهایی که از مؤمنان اطاعت کار، در صدقاتشان عیب جوئی می‌کنند، و کسانی را که (برای انفاق در راه خدا) جز به مقدار (ناچیز) توانایی خود دسترسی ندارند، مسخره می‌نمایند، خدا آنها را مسخره می‌کند؛ (و کیفر استهزاکنندگان را به آنها می‌دهد؛ و برای آنها عذاب دردناکی است!

قرآن کریم: إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ (مطففین: ۲۹-۳۰)؛ بدکاران (در دنیا) پیوسته به مؤمنان می‌خندیدند، و هنگامی که از کنارشان می‌گذشتند آنان را با اشاره تمسخر می‌کردند.»



رسول خدا ﷺ: «إِنَّ الْمُسْتَهْزِئِينَ يُفْتَحُ لَأَحَدِهِمْ بَابُ الْجَنَّةِ، فَيُقَالُ: هَلُمَّ: فَيَجِيءُ بِكَرْبِهِ وَغَمِّهِ فَإِذَا جَاءَ أُغْلِقَ دُونَهُ ثُمَّ يُفْتَحُ لَهُ بَابٌ آخَرُ فَمَا يَزَالُ كَذَلِكَ حَتَّى أَنْ الرَّجُلَ لَيُفْتَحَ لَهُ الْبَابُ فَيَقَالُ لَهُ: هَلُمَّ هَلُمَّ، فَمَا يَأْتِيهِ (محجة البيضاء، ج ۵، ص ۲۳۶)؛ در روز قیامت دری از بهشت به روی کسانی که مردم را مسخره می کرده اند باز می گردد و به آنها گفته می شود بیائید به سوی بهشت، آن شخص با همه غم و اندوهی که دارد می آید، اما تا نزدیک می رسد، درب بسته می شود، سپس دوباره باز می شود و به او می گویند بیا، بیا، او هم با همه رنج و سختی اش می آید، باز درب بسته می شود، سپس دوباره، و همینطور می آید و می رود تا آنگاه که درب کلاً بسته می شود.»





امام علی علیه السلام: كَثْرَةُ الْمِزَاحِ تَذْهَبُ الْبَهَاءَ وَتُوجِبُ الشَّحْنَاءَ (شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۵۹۷)؛ شوخی زیاد، ارج و احترام را می برد و موجب دشمنی می شود.

امام سجاد علیه السلام: وَالذُّنُوبُ الَّتِي تُنْزِلُ التَّقَمَّ عَصِيَانُ الْعَارِفِ بِالْبَغْيِ وَالتَّطَاوُلُ عَلَى النَّاسِ وَالِاسْتِهْزَاءُ بِهِمْ وَ السُّخْرِيَّةُ مِنْهُمْ (وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۸۱)؛ گناهانی که باعث نزول عذاب می شوند، عبارت اند از: ستم کردن شخص از روی آگاهی، تجاوز به حقوق مردم، و دست انداختن و مسخره کردن آنان.

امام کاظم علیه السلام: إِيَّاكَ وَالْمِزَاحَ؛ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِنُورِ إِيْمَانِكَ، وَيَسْتَخِفُّ بِمُرُوءَتِكَ (الكافي، ج ۲، ص ۶۶۵)؛ از شوخی (بی مورد) پرهیز، زیرا که شوخی نور ایمان تو را می برد و مردانگیت را سبک می کند.



امام خامنه ای: متأسفانه یک کار زشتی در بین مردم رایج است که از لهجه‌های بعضی از ولایات تقلید می‌کنند؛ این آیا غیبت محسوب می‌شود یا نه؟ این مسلماً حرام است. در حرمت این عمل هیچ شکی نیست. لکن غیبت نیست. چون قیودی که در غیبت ذکر شد - که مقوم معنای غیبت محرم شرعی است- در این جا وجود ندارد. یکی از قیود، مستور بودن بود. خب، این مستور نیست. علاوه بر این که عیب نیست اصلاً. کسی این را به عنوان عیب ذکر می‌کند، ولی اصلاً عیب نیست! بنابراین وقتی عیب نبود، پس غیبت نیست. مثل این است که مثلاً بگویند: آقا عمامه سرش است؛ این «عمامه به سر بودن» عیب نیست. ذکرش بنابراین غیبت نیست. علاوه بر این که امر ظاهری است، امر واضحی است. پس تعریف غیبت بر این صدق نمی‌کند. اما مسلماً حرام است. این از باب تمسخر و از باب استهزاء و اینهاست (جلسه درس خارج، ۱۳۸۹/۱/۳۱).



جلسه ۱۹:

پرهیز از تحقیر و اهانت





تحقیر به معنای پست شمردن و کوچک کردن طرف مقابل است که می‌تواند با گفتن یک کلمه، اشاره و یا حرکت یک عضو و مانند آن تحقق یابد. در جهان بینی اسلامی، انسان اشرف مخلوقات بوده و دارای کرامت است. بنابراین همانگونه که خدا انسان را تکریم نموده و عزت‌مندی را برای او خواسته است، در مواجهه و تعامل با مردم حتی با خطاکاران از آنها نیز باید کرامت انسان مورد توجه قرار گیرد و از هرگونه رفتار و فعلی که موجب توهین و تحقیر و شکستن شخصیت او می‌گردد، اجتناب شود. تحقیر و اهانت آتش کینه و دشمنی را در دل انسان شعله‌ور می‌سازد و رابطه را به نفرت و خشونت تبدیل می‌کند.





قرآن کریم: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (حجرات: ۱۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند؛ و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیبجویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید؛ و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند.

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ آَرَضَنِي بِالْمُحَارَبَةِ (بحار الانوار، ج ۵، ۲۸۳)؛ هر که به دوستی از من اهانت کند، آشکارا به جنگ من آمده است.

يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَذَلَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ أَرَصَدَ لِي بِالْمُحَارَبَةِ وَمَنْ حَارَبَنِي حَارَبْتَهُ (بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۳۷)؛ ای محمد، هر کس یکی از دوستان مرا خوار و ذلیل کند، او خود را برای جنگ با من آماده کرده است و هر کس با من بجنگد، من با او می‌جنگم.



در روایتی از امام باقر^(ع) وارد شده که مردی به رسول اکرم^(ص) عرض کرد: مرا وصیت و نصیحتی بفرما. حضرت در سفارش‌های خود فرمود: «لَا تَسُبُّوا النَّاسَ فَتَكْسِبُوا الْعَدَاوَةَ بَيْنَهُمْ» (بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۶۳)؛ به مردم ناسزا نگویید که اگر این کار را انجام دهید دشمنی آنان نصیبتان خواهد گشت.»

امام باقر^(ع): «اقْرَبْ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ إِلَى الْكُفْرَانِ يُوَخِي الرَّجُلُ الرَّجُلَ عَلَى الدِّينِ فَيُحْصِي عَلَيْهِ زَلَاتِهِ لِيُعِيرَهُ بِهَا يَوْمًا» (الكافي، ج ۲، ص ۳۵۵)؛ نزدیک‌ترین فاصله يك بنده به مرز کفر، زمانی است که مردی از راه دین با مرد دیگری طرح برادری بریزد و لغزش‌های او را در نزد خود جمع کند تا روزی به وسیله آن‌ها او را سرزنش کند.»





امام خامنه‌ای (ره):

به مسئولان کشور تأکید می‌کنم که با منتقدین خود و با کسانی که از آنها انتقاد می‌کنند رفتار مناسبی داشته باشند، آنها را تحقیر نکنند، به آنها اهانت نکنند؛ تحقیر مخالفان از سوی مسئولان، خلاف تدبیر و خلاف حکمت است. من مردم عزیزمان را به بی‌تفاوتی دعوت نمی‌کنم، به نظارت نکردن دعوت نمی‌کنم؛ آنها را به اهتمام در مسائل اساسی کشور دعوت می‌کنم؛ اما اصرار می‌کنم که برخوردها نه از سوی مردم نسبت به مسئولین و نه از سوی مسئولین نسبت به منتقدین، تخریبی نباید باشد؛ نه تحقیر باشد، نه اهانت باشد. ممکن است در یک قضیه‌ای، یک عده‌ای دغدغه داشته باشند؛ دغدغه داشتن جرم نیست؛ دلوایس بودن جرم نیست. میتوانند کسانی حقیقتاً نسبت به یک مسئله‌ی مهم و حسّاس کشور، احساس دلوایسی و دغدغه‌مندی کنند؛ هیچ مانعی ندارد؛ اما این به معنای متهم کردن نباشد، به معنای نادیده گرفتن زحمات و خدمات نباشد. از آن طرف هم دولت و طرف‌داران دولت به کسانی که ابراز دغدغه و دلوایسی میکنند، بایستی اهانتی نکنند (بیانات، ۱۳۹۴/۱۰/۰۱).





امام خامنه‌ای (عج):

در نیروهای مسلح، اهانت را ممنوع و ریشه‌کن کنید. هیچ‌کس، به کس دیگر اهانت نکند. اینکه فرماندهی هرکس هست؛ افسری، درجه‌داری به سربازی اهانت کند، درست نیست... این کارها را ممنوع کنید. هرکسی هم کرد، مجازاتش کنید... در کلمات و برخوردها، مطلقاً اهانت را برپندازید و ریشه‌کن کنید؛ چون خلاف شئون اسلامی است.

(بیانات در دیدار با فرماندهان عالی‌رتبه نیروهای نظامی و انتظامی، ۱۳۶۹/۱۰/۲۲).

جلسه ۲۰:

پرهیز از غیبت و سعايت





حقیقت غیبت آن است که چیزی را به کسی نسبت دهند، به گونه‌ای که اگر به گوش او برسد خوشش نیاید، خواه آن چیز، عیب و نقصی مربوط به بدن و ظاهر او باشد یا در نَسَب، یا در افعال، صفات و اقوال او باشد؛ یا در چیزی باشد که به او تعلق دارد در همه این موارد غیبت شمرده می‌شود. بدیهی است که غیبت کردن منحصر به زبان نیست، بلکه هر آنچه که عیب و نقصی از غیر را بفهماند؛ اعم از اینکه به قول و گفتار باشد، یا فعل، یا ایما و اشاره، یا رمز، یا نوشتن باشد، غیبت شمرده می‌شود.



قرآن کریم: «وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ (حجرات: ۱۲)؛ از همدیگر غیبت نکنید: کدامیک از شما دوست دارد گوشت برادرِ مرده‌اش را بخورد؟! معلوم است که از آن متنفرید!»

امام حسین علیه السلام به مردی که در حضورش غیبت می‌کرد، هشدار داد و فرمود: «يَا هَذَا كُفَّ عَنِ الْغَيْبَةِ فَإِنَّهَا إِدَامُ كِلَابِ النَّارِ (تحف العقول، ص ۲۴۵)؛ ای مرد! از غیبت کردن پرهیز که غیبت غذای سگ‌های جهنم است.»

امام صادق علیه السلام: «الْغَيْبَةُ حَرَامٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ... وَالْغَيْبَةُ تَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ. أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام الْمُغْتَابُ إِنْ تَابَ فَهُوَ آخِرُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ وَإِنْ لَمْ يَتُبْ فَهُوَ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ (بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۵۷)؛ غیبت کردن برای هر مسلمانی حرام است ... و همان گونه که آتش هیزم را می‌خورد، غیبت نیز کارهای نیک انسان را می‌خورد و از بین می‌برد. خدای متعال به موسی بن عمران وحی کرد که غیبت کننده اگر توبه کند آخرین فردی است که به بهشت می‌رود و اگر توبه نکند اولین فردی است که داخل آتش می‌شود.»



امام صادق علیه السلام: «مَنْ رَوَى عَلَى مُؤْمِنٍ رِوَايَةً يُرِيدُ بِهَا شَيْئَهُ وَهَدَمَ مُرُوءَتَهُ لِيَسْقُطَ مِنْ أَعْيُنِ النَّاسِ أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ وَلَايَتِهِ إِلَى وَلَايَةِ الشَّيْطَانِ فَلَا يَقْبَلُهُ الشَّيْطَانُ» (الكافي، ج ۲، ص ۳۵۸)؛ هر کس به منظور عیب جویی و ریختن آبروی مؤمنی سخنی علیه او بگوید تا او را از چشم مردم بپندازد خداوند چنین کسی را از ولایت خودش بیرون می‌کند و به سوی ولایت شیطان می‌فرستد و شیطان او را نمی‌پذیرد!!»





سخن چینی، عملی حرام و از گناهان کبیره به حساب می‌آید. سخن چین به جای اینکه بین برادران دینی خود محبت و الفت ایجاد کند و اتحادشان را محکم سازد، با سعايت و سخن چینی خود، در مجموعه‌های انسانی سبب قطع ارتباطها شده، نفرت، دشمنی و تفرقه ایجاد می‌کند و در نتیجه لعنت الهی و عذاب اخروی را به جان می‌خرد.

رسول خدا ﷺ: «يَا أَبَا ذَرٍّ، صَاحِبُ النَّمِيمَةِ لَا يَسْتَرِيحُ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ (عَزَّوَجَلَّ) فِي الْآخِرَةِ (الامالی: ۵۳۸)؛ پیامبر خدا ﷺ به ابوذر فرمودند: ای اباذر سخن چین در آخرت دائماً در عذاب است و هیچگاه از عذاب خدا راحت نمی‌شود.»



رسول خدا ﷺ: «أَلَا أُنبِّئُكُمْ بِشِرَارِكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: الْمَشَاوُونَ بِالنِّمَةِ الْمَفْرُقُونَ بَيْنَ الْأَحَبَّةِ (الكافی، ج ۴، ص ۱۰۸)؛ آیا می‌خواهید از بدترین شما خبر دهم؟ یاران گفتند آری ای رسول خدا. فرمودند بدترین شما کسانی هستند که دائماً بین افراد در رفت و آمد هستند و با سخن چینی بین دوستان را به هم زده و آتش دشمنی را روشن می‌کنند.»

امام علی علیه السلام: شِرَارُكُمْ الْمَشَاوُونَ بِالنِّمَةِ، الْمَفْرُقُونَ بَيْنَ الْأَحَبَّةِ، الْمُبْتَغُونَ لِلْبُرَاءِ الْمَعَايِبَ (کافی، ج ۲، ص ۳۶۲)؛ بدترین شما سخن چینانند که میان دوستان جدایی می‌افکنند و در صدد عیب‌تراشی از پاکان هستند.

امام علی علیه السلام: «إِيَّاكُمْ وَالنَّمَائِمَ فَإِنَّهَا تُورِثُ الضَّغَائِنَ (بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۹۳)؛ از سخن چینی‌ها بپرهیزید که کینه‌ها به بار می‌آورد.»



امام علی علیه السلام: مَنْ سَعَى بِالنَّمِيمَةِ حَارِبُهُ الْقَرِيبُ وَمَغْتَهُ الْبَعِيدُ (غررالحکم، ص ۶۳۷)؛ آنکه در زمینه سخن چینی تلاش کند نزدیکان به جنگ او، و دوران به دشمنی اش بر خیزند.

امام صادق علیه السلام: اَيَّاكَ وَالنَّمِيمَةَ فَانْهَازْهُ تَزْرُعُ الشَّحْنَاءَ فِي قُلُوبِ الرِّجَالِ (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۰۴)؛ از سخن چینی بپرهیز که دشمنی زیادی در دل مردان می‌کارد.





سبک زندگی اسلامی در قرآن کریم

۱۴



جلسہ ۲۱:

پرهیز از بہتان و تہمت





بهتان و تهمت یعنی انسان به دیگری چیزی یا عیبی که در او نیست نسبت دهد.؛ امام کاظم علیه السلام: «مَنْ ذَكَرَ رَجُلًا ... مِنْ خَلْفِهِ بِمَا هُوَ فِيهِ مِمَّا لَا يَعْرِفُهُ النَّاسُ اغْتَابَهُ، وَمَنْ ذَكَرَهُ بِمَا لَيْسَ فِيهِ فَقَدْ بَهَتَهُ (کافی، ج ۲، ص ۳۵۸)؛ هر کس پشت سر مردی چیزی را بگوید که در او هست ... ولی مردم نمی دانند غیبتش را کرده و هر که پشت سر کسی چیزی بگوید که در او نیست به او بهتان زده است.»

بدیهی است جایی که غیبت کردن و ذکر عیب موجود در اشخاص نزد دیگران گناه کبیره باشد، پس بهتان و تهمت که ذکر عیبی است که در او نیست، به طریق اولی و حکم قطعی عقل، گناه کبیره خواهد بود. در قرآن مجید و روایات، به شدت از آن نهی شده و عقوبت های سختی بر آن وعده داده شده است



قرآن کریم از تهمت و بهتان صریحاً تعبیر به گناه آشکار می‌کند و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدْ احْتَمَلُوا بُهْتَاناً وَإِثْماً مُبِيناً (احزاب: ۵۸)؛ و آنها که مردان و زنان با ایمان را بدون تقصیر و گناه [با نسبت ناروا] آزار می‌دهند متحمل بهتان و گناه آشکاری شده‌اند.»

قرآن کریم: «وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْماً ثُمَّ يَزْمِ بِهِ بَرِيئاً فَقَدْ احْتَمَلَ بُهْتَاناً وَإِثْماً مُبِيناً (نساء: ۱۱۲)؛ هرکس خطا یا گناهی مرتکب شود، سپس آن را به بی‌گناهی نسبت دهد، بهتان و گناه آشکاری را به گردن گرفته است.»



قرآن کریم در سوره نور: آیات ۳-۲۱ جریان حدیث افک و داستان بهتان و نسبت ناروا دادن به یکی از همسران پیامبر ﷺ را مطرح کرده و به مسلمانان نهیب می‌زند:

«لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ (نور: ۱۲)؛ چرا وقتی این سخن را شنیدند، مردان و زنان مؤمن به خودشان گمان نیک نبردند و نگفتند این دروغی آشکار است.»

رسول خدا ﷺ: «مَنْ بَهَتَ مُؤْمِنًا أَوْ مُؤْمِنَةً أَوْ قَالَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ أَقَامَهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى تَلٍّ مِنْ نَارٍ حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَهُ فِيهِ (محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۱۹۴)؛ هرکس به مرد یا زن مؤمنی تهمت بزند، یا چیزی که در او نیست بگوید، خدا او را روز قیامت بر محلی از آتش نگه می‌دارد تا از عهده آنچه گفته است برآید.»



رسول خدا ﷺ: إِنَّ مِنْ شِرَارِ رِجَالِكُمُ الْبَهَّاتِ الْجَرِيءِ الْفَحَّاشِ، الْآكِلَ وَحَدَهُ، وَالْمَانِعَ رِفْدَهُ وَالضَّارِبَ عَبْدَهُ، وَالْمُلْجِئَ عِيَالَهُ إِلَى غَيْرِهِ (الكافی، ج ۲، ص ۲۹۲)؛ بدترین مردانِ شما کسانی هستند که به مردم، پیوسته تهمت می‌زنند، گستاخ‌اند، بدزبان‌اند، تنها خورند، دستِ بخشنده ندارند، بنده خود را می‌زنند، و خانواده‌شان را [برای تأمین معاش]، محتاج دیگران می‌کنند.

امام علی علیه السلام: «الْمُؤْمِنُ لَا يَغُشُّ اخَاهُ وَلَا يَخُونُهُ وَلَا يَحْذُلُهُ وَلَا يَتَّهَمُهُ» (خصال، ج ۲، ص ۶۲۲)؛ مؤمن به برادر مؤمنش نه کُلك می‌زند، نه خیانت می‌کند، نه او را تنها می‌گذارد و نه به او تهمت می‌زند.»



امام صادق علیه السلام: «إِذَا اتَّهَمَ الْمُؤْمِنُ أَخَاهُ انَّمَاثَ الْإِيْمَانُ مِنْ قَلْبِهِ كَمَا يَنْمَاطُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ (کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۶)؛ کسی که برادر مسلمان خود را متهم کند ایمان در دل او ذوب می شود، همان گونه که نمک در آب ذوب می شود.

امام صادق علیه السلام: «الْبُهْتَانُ عَلَى الْبَرِيِّ أَثْقَلُ مِنَ الْجِبَالِ الرَّاسِيَاتِ (بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۱۹)؛ تهمت بر انسانی که از نسبت ناروا، پاک و مبرا است از کوه های سربه فلک کشیده سنگین تر است.»

امام کاظم علیه السلام: «مَلْعُونٌ مَنِ اتَّهَمَ أَخَاهُ (نزهة الناظر، ۱۲۵)؛ هرکس به برادرش تهمت بزند، ملعون است.»



جلسہ ۲۲:

پرهیز از تجسس و سرک کشی





تجسس آن است که بندگان خدا را در پس پرده «ستر الهی» راحت نگذاری و تلاش کنی که بر حریم پوشیده مردم آگاه شوی و پرده پوشش آنان را پاره کنی و بر اسراری دست یابی که پوشیده بودنش برای سلامت دل و دین انسان سودمندتر خواهد بود. تجسس عامل مؤثری در ایجاد بدبینی و از هم گسستگی اخوت و برادری است. از این رو، دارنده این خصلت ناروا، به عنوان کسی که تنها با زبان، مسلمان است و ایمان در قلبش رسوخ نکرده، شناخته شده است.





قرآن کریم: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ (حجرات: ۱۲)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از گمان فراوان پرهیزید؛ زیرا پاره‌ای از گمان‌ها در حد گناه است؛ و در کارهای پنهان یکدیگر جست‌وجو نکنید؛ و از یکدیگر غیبت نکنید. آیا هیچ‌یک از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ پس آن را ناخوش خواهید داشت؛ و از خدا بترسید؛ زیرا خدا توبه‌پذیر و مهربان است.

نکته تفسیری: در این آیه شریفه، سه گناه «بدگمانی، تجسس و غیبت» پشت سر هم قرار گرفته و الهام دهنده این نکته است که گناه دوم نتیجه گناه اول و گناه سوم نتیجه گناه دوم است و همان‌گونه که بدگمانی سبب تجسس می‌شود، تجسس نیز، زمینه‌ساز غیبت است و تجسس کننده اگر بر آگاهی خود از عیوب و اسرار مردم بسنده کند، مرتکب این تخلف و گناه شده است و اگر آنها را برای دیگران نقل کند، مرتکب گناه غیبت نیز شده است.



قرآن کریم: اِنَّ الَّذِيْنَ يُحِبُّوْنَ اَنْ تَشِيْعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ (نور: ۱۹)؛ کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد، عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت (مقدّر) است.»

قال رسول الله ﷺ: «إِيَّاكُمْ وَالظَّنَّ، فَإِنَّ الظَّنَّ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ، وَلَا تَحَسَّسُوا، وَلَا تَجَسَّسُوا (الفائق، ج ۱، ص ۱۸۶)؛ از گمان (بد) پرهیزید زیرا گمان (بد) دروغ‌ترین سخن است، و تحسس و تجسس نکنید». قال رسول الله ﷺ: «لَا تَحَاسَدُوا وَلَا تَبَاغُضُوا وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا تَنَاجَشُوا وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ اخْوَاناً (صحيح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۸۵)؛ نسبت به یکدیگر حسد نورزید و بغض و کینه نداشته باشید، و در کار دیگران تجسس و تحسس نکنید، و مردم را (با کارهای مختلف خود) از خود نرانید، و بندگان خدا و برادران دینی باشید».

از این حدیث به خوبی به دست می‌آید که تجسس همانند حسد و کینه و نفرت، سبب دوری مردم از یکدیگر و از هم پاشیدن شیرازه اجتماع است.





امام خامنه‌ای داماد:

اسلام در مورد تشخیص گناه می‌گوید تجسس نکنید، دنبال نکنید، در پی گناه این و آن نگردید، بی‌خودی افراد را متهم و گناه‌کار نکنید؛ اما آن جایی که گناه ثابت می‌شود، می‌فرماید: «وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ (نور: ۲)؛ شما بایستی این گناهکاران را مجازات کنید؛ مبدا نسبت به آنها رأفتی احساس کنید.

(بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۶/۰۱/۱۳۷۹)

